

**گاہ شمار**  
**دوران زندگانی**  
**و دوران امامت**  
**امام جواد (علیه السلام)**

**چیستی و چرایی و چگونگی گاه‌شمار در فرایند ایده‌یابی زندگی  
امام جواد (ع):**

با مطالعه منابع تاریخی و حدیثی در مورد زندگانی هر معصوم، در کنار مباحث معارفی و شخصیت‌شناسی آن معصوم و مطالعه روایات و سخنان ایشان و آشنایی با زندگی اجمالی ایشان، با مجموعه‌ای از حکایات و رویدادها مواجه می‌گردیم که اغلب به صورت کشف‌گویی و یا موضوعی ارائه می‌گردند.

در مقام مطالعه ایده‌یابی برنامه‌ای/فیلمنامه‌ای، یکی از روش‌های مواجهه با این حکایات، مواجهه تحلیلی با این حکایات است. بدین معنا که با در نظر گرفتن پیش‌فرض‌های کلامی و عرفانی در زمینه تقابل حق و باطل و ادوارشناسی تاریخی، به آنالیز و موشکافی هر رویداد پرداخت. برای انجام این مهم می‌توان از جدول‌هایی همانند جدول زیر استفاده کرد:<sup>1</sup>

قصه‌ها / موقعیت‌ها / رویدادها	
روایت اجمالی خام	روایت
روایت بهینه شده توسط اطلاعات تکمیلی	شخصیت‌ها
	قهرمان
	ضد قهرمان
	فرعی
	زمان
	مکان

1. این مدل از پژوهش جزء نگر در کتاب ایین برنامه‌سازی زندگانی امام کاظم (ع) انجام شد.

	روند روایی
	وضعیت نمایشی
	پیش فرض های کلامی و معارفی احتمالی
	ایده ها و نکته ها
	ارجاعات تکمیلی

برای معرفی کارایی این جدول در فهم و تحلیل رویدادهای زندگی معصومین، یک نمونه از رویدادهای زندگی امام جواد (ع) در آن عرضه می گردد:

قصه ها / موقعیت ها / رویدادها		
امام نامه ای به وکیلش در همدان بنام محمد بن ابراهیم همدانی می نویسد و از او می خواهد تا یحیی بن ابی عمران وفات نکرده ان را باز نکند. وقتی خبر رحلت یحیی به محمد می رسد نامه را می گشاید و می بیند امام او را جانشین محمد تعیین کرده است.	روایت اجمالی خام	روایت
محمد بن ابراهیم از وکلای امام جواد (ع) و بلکه سروکیل ایشان در همدان و غرب ایران و منطقه جبال است. او نامه ای محرمانه و عجیب را از امام جواد (ع) دریافت می کند که بازگشایی از ان وابسته به رحلت یحیی بن ابی عمران است!!؟؟ یحیی هم فردی همدانی (از همدان ایران) است که وکیل امام در شهر قم است. شهر قم در این سال ها در زیر مالیات های مضاعف مامون عباسی، خلیفه مدعی روشنفکری و دانش گرایی، تحت ستم فراوان است. پس در نهایت قمی ها در سال 210 به رهبری یکی از بزرگان خود بنام جعفر بن داود قیام می کنند. ولی مامون لشکری جرار می فرستد و قمی ها شکست خورده و عده ای از جمله یحیی به شهادت می رسد. با انتشار خبر شهادت و اوضاع بحرانی قم،	روایت بهینه شده توسط اطلاعات تکمیلی	

<p>محمد به سرعت نامه امام را می‌گشاید. و می‌بیند امام دو سال پیش از رخداد این بحران و در یک تصمیم کاملاً امنیتی در فضایی که ماموران مامون به شدت مراقب شیعیان هستند، او را به جانشینی یحیی در رسیدگی در امور قمی‌ها و به عنوان وکیل بعدی خود در قم انتخاب کرده است.</p> <p>پس در زمانه‌ای که اخبار ازدواج مامون با پوران دختر حسن بن سهل و ریخت و پاش‌های بسیار کلان آن در جهان اسلام منتشر می‌شود، محمد مخفیانه از همدان راهی قم می‌گردد تا به ساماندهی امور شیعه تحت ستم قم بپردازد.</p>		
محمد بن ابراهیم	قهرمان	شخصیت‌ها
مامون	ضد قهرمان	
امام جواد (ع)، یحیی بن ابی‌عمران، رهبر قیام قمی‌ها، پیک امام، والیان عباسی قم و همدان و ...	فرعی	
حداصل سال‌های 208 تا 210 ق		زمان
همدان، قم، مدینه، بغداد		مکان
<ul style="list-style-type: none"> <li>- رسیدن نامه‌ای شگفت و سر به مهر تا دو سال و ماموریت رصد اخبار قم</li> <li>- ستم فزاینده مامون مدعی تشیع و علوی‌گرایی بر قم و قمی‌ها، تنها شهر شیعی</li> <li>- قیام قمی‌ها (در فضای اختلاف سیل‌ها و نگرانی بزرگان علمی شهر)</li> <li>- شهادت عده‌ای از قمی‌ها و وکیل امام</li> <li>- بازگشایی نامه و کشف سر آن (انتصاب محمد به جای یحیی)</li> <li>- تلاش محمد در تقیه شدید برای یاری قمی‌های ستم‌دیده از سوی امام</li> </ul>		روند روایی
مسئولیت‌پذیری دشوار به روشی فوق‌امنیتی در زمانه‌ای حساس		وضعیت‌نمایشی
دانش‌غیبی امام و استفاده از آن در مدیریت جامعه شیعه تقیه‌ورزی امام و جامعه شیعه در زمانه اقتدار خلافت		پیش‌فرض‌های کلامی

ایده ها و نکته ها	مدیریت تقیه محور و غیب مدار امام برای جوامع حق در شرایط خاص پذیرش کارگزاری برای معصوم، ملازم با مسئولیت پذیری های دشوار و رازداری های بزرگ مظلومیت قمی ها در دوران خلافت مامون، سندی بر ادعای رسوای علوی گری و اصلاحات گرای مامون
ارجاعات تکمیلی	مطالعه سازمان وکالت در زمانه امام جواد (ع) مطالعه تاریخ تشیع در قم و فراز و فرودهای آن شخصیت شناسی مامون و ادوارار شناسی خلافت عباسی

البته همانگونه که مشاهده می شود این نوع پژوهش ضمن نیاز به فرصت کافی و نوعی غلبه رویکرد فیلمنامه ای در آن، هیچگاه کارشناسان و پژوهشگران و نویسندگان را به نگاه جامل و تحلیل مناسب و کلی از زندگانی تاریخی معصومین نمی رساند. چرا که در مواجهه با این رویدادها تا با فضای کلی زندگی امام آشنا نباشد و تا نسبت سنجی لازم جزء و کل بین هر رویداد و فضای کلی زندگانی معصوم صورت نگیرد هر رویداد نمی تواند دارای معنایی جامع و کامل باشد. چرا که اقتضای تبلیغ رسانه ای درباره هر معصوم وابسته به داشتن نگاه تاریخی درست از رویدادهای رخ داده در زندگی آنان است.<sup>۲</sup> بدین جهت شاید یکی از نگاه های روزآمد به مسئله سیره خصوصا در نظام و ایین برنامه سازی، ضرورت نظام بخشی به رویدادهایی است که منشأ و خاستگاه سیره معصومین است. و یکی از راهبردها و راهکارهای این نظام بخشی و معنا دهی بیشتر به رویدادها، انجام پژوهش گاه شماری این رویدادها است. چرا که در بستر پژوهش گاه شمار تلاش می شود تا زمان و مکان هر رویداد در فضای کلی زندگی هر معصوم دانسته شده و دانسته شود که هر رویداد در چه مرحله ای از زندگی معصوم و در مواجهه با چه گروه و یا جریانی بوده است.

بر بستر این فرایند است که نگاه جزء گرایانه به هر رویداد هم معنای خود را خواهد یافت. بدین جهت در این فصل در مقام اولین مرحله از مطالعه سیره شناسی تاریخ محور از زندگی معصومین، گاه شمار رویدادهای زندگانی امام جواد (ع) ارائه می گردد.<sup>۳</sup>

<sup>۲</sup> . تاریخنگاری با سیره نگاری تفاوت دارد. تاریخنگاری صرفا به ضبط و ثبت رویدادها (بدون پیش داوری) می پردازد. ولی در سیره در کنار رویدادنگاری با لحاظ مقام های معنوی و آسمانی ای که برای معصوم در دانش کلام اثبات می گردد، در ان رویدادنگاری، رویکرد تربیتی و مسئله انتقال پیام هم مورد توجه است.

<sup>۳</sup> . بدیهی است فرایند استخراج کامل و مفصل رویدادها ئ کشف سیره های اخلاقی و تربیتی از آنان به عزیزان و اگذار می گردد.

برای کشف جایگاه گاه شماری رویدادهای زندگی امام جواد (ع)، پس از جستجو و گردآوری رویدادهای با تکیه بر منبعی چون «موسوعه امام جواد (ع)» که جامعترین و جدیدترین منبع در این زمینه است، تلاش گردید تا با کمک نشانه‌ها و شواهد آشکار و یا ضمنی موجود در روایت و یا به قرینه حضور قهرمانان و ضد قهرمانان و یا جغرافیای رخداد رویداد و ...، زمان و مکان واقعی و یا تقریبی رویدادها معلوم گردد. و آنگاه بر اساس شخصیت محوری در هر رویداد، رویدادها به سه گانه سفید (امام و جامعه شیعه) خاکستری (جریان‌های علوی مخالف خط خلافت و گاه مدعی همراهی ظمنی با خط امامت) و سیاه (خط خلافت و جامعه و نظام فکری و فرهنگی همراه با آن) تقسیم می‌گردند.

و در نهایت با جدول گاه شماری سالیانه ای روبرو هستیم که ممکن است در یک سال پر حادثه و در سالی کم رویداد باشد. یا در بخش رویدادهای خاکستری و یا سیاه شاهد رویدادهای به ظاهر بی ربط با زندگی امام باشیم ولی وقتی که دانسته شود که مثلاً حضور و یا مرگ یک عالم برجسته عامی در حجاز یا عراق می‌توانسته نقشی مهمی در انحراف جامعه از خط امامت داشته باشد، آنگاه این واقعه نگاری‌ها معنا خواهد یافت<sup>4</sup>

جدول گاه شماری زندگانی امام جواد (ع) در دو مرحله کلی ارائه می‌گردد که عبارتند از:

- گاه شمار از تولد تا امامت

- گاه شمار از امامت تا شهادت

در پایان هر مرحله هم فهرست مباحث تحلیلی و جدول‌های ایده‌یابی آرامی گردد.

---

<sup>4</sup>. در تهیه‌ی این جدول در بخش وضعیت سفید، از موسوعه‌ی امام جواد استفاده فراوان شده و در بخش سیاه و خاکستری ضمن استفاده از موسوعه‌ی امام جواد، از تاریخ طبری و تاریخ الاسلام ذهبی در محدوده‌ی این سال‌ها استفاده شده است.

## گاه شمار رضوی/ تقوی:

گاه شمار این مرحله زمانی از سال 195 تا 203 را شامل می گردد. برای مطالعه بیشتر در زمینه این مرحله از زندگانی مشترک امام رضا (ع) / جواد (ع) نگاه کنید به کتاب آیین برنامه سازی زندگانی امام رضا (ع). بدین جهت این مرحله از گاه شماری به صورت فشرده ارائه می گردد:

193 ه. ق.	
سفید	- حسین ابن قیاما، یکی از واقفی‌ها، با امام دیدار کرد و برخی از روایات و استدلال‌های واقفیه را به امام عرضه کرده و در ضمن به فرزند نداشتن امام خرده می گیرد و امام به دفع شبهات و تحریف‌های آن‌ها پرداخت و وعده ولادت قریب الوقوع فرزندش را می دهد.
خاکستری	- رحلت محمد ابن اسماعیل، بنیان‌گذار دعوت اسماعیلیه و جانشینی فرزندش عبدالله.
سیاه	- سفر هارون به خراسان برای دفع شورش های خراسان و مرگ ناگهانی او در توس. - قصد امین، خلیفه جدید برای سفر حج و ممانعت وزیرش فضل ابن ربیع از آن و فرستادن مادرش زبیده به جای او به سفر حج و اقدامات عمرانی زیادی که او در مکه انجام داد.

194 ه. ق.	
سفید	- زمان حمل مادر امام جواد (ع) و ترکیبی از سلوک عبادی ویژه مادر در کنار مشاهده برخی مقام های معنوی فرزند - احمد ابن عامر طایی، از نوادگان یکی از شهدای کربلا، با امام ملاقات کرد و از آن پس مؤذن آن حضرت و امام جواد (ع) شد.

- امام در اوج تبلیغات سوء واقفی‌ها و برخی شکاکان دیگر، و به ویژه در ضمن مراسم حج، خبر از تولد قریب‌الوقوع فرزندش می‌دهد	
-	خاکستری
- آغاز اختلاف امین و مأمون و اقدام به تجهیز نیرو علیه یک‌دیگر.	سیاه

<b>195 ه. ق.</b>	
- تولد امام جواد (ع) پس از سال‌ها انتظار امام و شیعیان. امام رضا (ع) این تولد را بابرکت‌ترین تولد برای شیعه نامید.	سفید
- احمد بن ابی‌خلف برادر رضاعی امام. او و والدینش برده بودند که امام رضا (ع) آنان را خرید و آزاد ساخت.	
- پس از تولد امام جواد (ع)، امام در دیدارهای گوناگون با شیعیان، او را وصی خود معرفی می‌کرد و در حج آن سال، با برخی از بزرگان واقفی، همانند حسین ابن قیاما در باره‌ی این ولادت بحث کرد.	
	خاکستری
- درگیری تاریخی سپاه کوچک طاهر ذوالیمین، فرمانده لشکریان مأمون با علی ابن عیسی ابن ماهان و لشکر انبوه امین در حومه‌ی ری و شکست علی ابن عیسی. این اتفاق، اولین ضربه‌ی سنگین به لشکریان امین بود.	سیاه
- مرگ بگار (پدر زبیر ابن بگار، عالم معروف اهل سنت)، از آل زبیر، که به مدّت دوازده سال والی مدینه از سوی هارون بود و به شیعیان و علویان سخت می‌گرفت و برخی، مقدمات مرگ او را به سبب نفرین امام رضا (ع) می‌دانند.	
- اولین ورود و اقامت شافعی از مدینه به بغداد. اقامت او به مدّت دو سال در بغداد طول کشید. او در این زمان بر مذهب اوّل خود بود.	

196 ه. ق.	
	سفید
	خاکستری
<p style="text-align: center;">- شکست‌های پیاپی لشکریان امین و رسیدن لشکریان مأمون به فرماندهی طاهر و هرثمه ابن اعین به دروازه‌های بغداد.</p>	سیاه

197 ه. ق.	
	سفید
	خاکستری
<p style="text-align: center;">- محاصره‌ی بغداد توسط سپاهان مأمون و درگیری طولانی نیروهای دو طرف در حومه و محلات بغداد و آشوب و نا به سامانی و قحطی و فتنه و فساد و تعطیلی جمعه و جماعت و مساجد.</p> <p style="text-align: center;">- قیام امویان و دمشقیان به رهبری مسلمة ابن یعقوب أموی، از تبار یزید، که با لقب «سفیانی» شورش کرد و مدعی خلافت بود و لشکریان امین در سرکوبی او ناکام ماندند.</p> <p style="text-align: center;">-</p>	سیاه

198 ه. ق.	
<p style="text-align: center;">- دیدار برخی از بزرگان شیعه (خصوصاً صفوان ابن یحیی) با امام رضا (ع) و پرسش از وصایت ایشان و معرفی شدن امام جواد (ع) از سوی آن حضرت.</p>	سفید
<p style="text-align: center;">- قیام ابوالسرایا، با کمک علویان در کوفه و عراق و معرفی کردن محمد ابن ابراهیم علوی زیدی (ابن طباطبا) به عنوان خلیفه. (قیام ابوالسرایا و همراهی احمد ابن موسی الکاظم با او، باعث ریزش جمعی از واقفی‌هایی شد که گرد او جمع شده و فرقه‌ی «واقفی احمدیه» را درست کرده بودند).</p>	خاکستری

<p>- تشکیک برخی از بنی‌هاشم در باره‌ی امام جواد (ع) در 2/5 سالگی ایشان (ماه شعبان این سال) و آوردن قیافه‌شناس و حکم کردن او به انتساب وی به امام رضا (ع).</p>	
<p>- شکست و قتل امین و آغاز خلافت مأمون</p> <p>- شافعی پس از اقامت یک‌ساله‌ی خود در مدینه، دوباره به بغداد رفت و یک ماه آن جا ماند و در نهایت چون بغداد را برای تبلیغ مذهب جدید خود مناسب ندید، از آن جا برای همیشه به مصر رفت.</p> <p>- مرگ سفیان ابن عینیّه، یکی از علمای بسیار بزرگ و محدّث اهل سنّت. او ساکن مکه بود و هفتاد حج انجام داد و استاد شافعی و بسیاری از علمای اهل سنّت بود و در ایام حج، مجلس درس پروتقی داشت</p>	سیاه

199 ه. ق.	
<p>- شکست قیام محمد ابن جعفر در حجاز، به دست «جلودی» فرمانده لشکریان مأمون. بازتاب این شکست، هجوم جلودی به منزل امام رضا (ع) و بنی‌هاشم و قصد تفتیش و جست و جوی منازل بنی‌هاشم و مصادره‌ی طلاها و دارای‌هایی آن‌ها بود. در این ماجرا، جلودی به امام رضا (ع) اهانت‌های بسیاری کرد.</p> <p>- سفر زکریا بن آدم اشعری قمی در این سال به حجاز و بیعت با امام جواد (ع) و مشاهده ماجرای شگفت از او<sup>5</sup></p>	سفید

5. زکریا بن آدم می‌گوید: در خدمت امام رضا علیه السلام بودم که امام جواد علیه السلام را که در سن کمتر از چهار سال بودند آوردند. امام علیه السلام با دست خود به زمین زد و سر مبارک خود را به طرف آسمان بلند کرد و در فکر فرو رفت. امام رضا علیه السلام فرمودند: جانم فدایت! در چه رابطه اینقدر فکر می‌کنی؟

امام جواد علیه السلام عرضه داشتند: در آن مصائبی که نسبت به مادرم فاطمه سلام الله علیها روا داشته شد. به خدا سوگند آن دو را از قبر بیرون می‌آورم و آتش می‌زنم پس خاکستر آن‌ها را بر باد داده یا به دریا می‌ریزم. پس امام رضا علیه السلام آن حضرت را نزدیک به خود نمود و بین دو چشمش را بوسه زد و فرمود: تو لایق امامت هستی. (دلایل الامامة ص212)

<ul style="list-style-type: none"> <li>- آخرین سفر حجّ امام رضا (ع) همراه فرزندش امام جواد (ع) و وداع عجیب امام رضا (ع) با کعبه و مکه. در پاسخ به شگفت‌زدگی فرزندش، خبر از سفر قریب‌الوقوع خود به خراسان داد.</li> <li>- قیام زید پسر امام کاظم (ع)، معروف به «زیدالنار» در بصره. او در بصره، به تعقیب یونس ابن عبدالرحمان، از خواصّ امام رضا (ع) و شیعه پرداخت، پس یونس به ناچار، به مدینه و نزد امام پناه آورد و در آستانه‌ی سقوط زید و زیدیه به عراق بازگشت.</li> <li>- پناه آوردن جمعی از علمای شیعه در زمان ابوالسرایا، از عراق به حجاز، به گونه‌ای که مراسم حجّ آن سال، یکی از پرشمارترین حضورهای یاران امام در مدینه بود.</li> <li>- امام در حجّ آن سال به رفع اختلاف‌های فکری و اجتماعی بین بزرگان شیعه و مدیریت آنها پرداخت.</li> <li>- مأمون پس از به شکست کشاندن قیام ابوالسرایا و دیگر پیروان زیدیه، به مدّت دو - سه ماه از طریق نامه‌نگاری، چند بار از امام خواست که به میل خود به مرو بیاید و خلافت را در اختیار بگیرد، ولی امام دعوت او را در هر بار رد کرد.</li> </ul>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>- قیام ابراهیم ابن امام کاظم (ع) در یمن.</li> <li>- قیام اسماعیل ابن کاظم (ع) در فارس.</li> <li>- محمّد ابن سلیمان، والی ابوالسرایا در مدینه و والی شرطه‌ی او محمّد ابن اثرم، قصد بیعت‌گیری اجباری از امام برای خود داشتند، ولی امام از آنها بیست روز مهلت گرفت که در روز هجدهم، آنها از جلودی، فرمانده لشکر مأمون شکست خوردند.</li> </ul>	خاکستری
<ul style="list-style-type: none"> <li>- کشته شدن ابوالسرایا در عراق</li> </ul>	سیاه

200 ه. ق.

<ul style="list-style-type: none"> <li>- آغاز حرکت امام رضا (ع) از مدینه به خراسان. امام در آستانه‌ی حرکت ضمن وداع با خاندانش، دوازده هزار دینار بین آن‌ها تقسیم کرد و اعلام کرد این سفر بی بازگشت است.</li> <li>- انتشار خبر رفتن امام رضا (ع) به مرو و تحیر و تشکیک برخی از شیعیان بغداد همانند یونس ابن عبدالرحمان، در پذیرش امام و سرانجام ناخوش آیند این سفر.</li> <li>- با انتشار خبر حرکت امام از مدینه به مرو، شیعیان کوفه به انتظار دیدار امام نشستند، ولی وقتی خبر آمد مسیر سفر از بصره است، معدودی از آن‌ها، مانند ابوهاشم جعفری، تلاش کردند به سرعت به سوی بصره بیایند و با امام دیدار کنند.</li> <li>- محوّل سجستانی، در روز خروج امام از مدینه، با امام دیدار کرد و کمی پس از آن، در آن مسیر به راه افتاد و در نهایت به امام پیوست.</li> <li>- امام، چند ماه در نیشابور اقامت داده شد و پس از دریافت اجازه‌ی مأمون، ایشان را به سوی مرو بردند.</li> <li>- هم‌راهی اباصلت هروی از نیشابور با امام رضا (ع) و ملازم ایشان بودن تا لحظه‌ی شهادت آن حضرت.</li> <li>- ریّان ابن صلت و هم‌چنین ریّان ابن شیب اشعری، دایی معتصم، به امام پیوستند و از ملازمان حضرت در خراسان و مرو شدند.</li> <li>- رحلت عبدالله ابن جنذب بجلی کوفی، از وکلای امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) در بصره و خوزستان. امام پس از رحلت وی، بر او رحمتی ویژه فرستاد. علی ابن مهزیار اهوازی، جای‌گزین او در مسئله وکالت شد.</li> </ul>	سفید
<ul style="list-style-type: none"> <li>- قیام و ادّعی‌ی خلافت محمّد ابن امام صادق (ع) (دیباج) در مکه. او مدّعی شد که قائم مهدی است و مبنای ادّعی‌ی خود را بر احادیث نبوی قرار داد. حسین ابن حسن افطس در مدینه برای او بیعت گرفت. در این قیام، امام رضا (ع) بیعت و همکاری نکرد و از</li> </ul>	خاکستری

ناکامی قریب الوقوع آن‌ها خبر داد. (ریشه‌ی قیام محمد ابن جعفر، کتابی بود که یکی از علمای ناصبی نوشت و در آن حضرت زهرا (س) را سبّ کرد).	
- شروع قیام بابک خرم‌دین در آذربایجان	سیاه

201 ه. ق.	
- اعلام ولایت عهدی امام رضا (ع) در آغاز ماه رمضان. - هجرت حضرت معصومه (س) به قم و رحلت ایشان در این شهر. (ربیع الثانی)	سفید
	خاکستری
- مخالفت بنی عباس در بغداد و عراق با مسئله‌ی ولایت عهدی امام رضا (ع) و شورش آن‌ها - شیوع خشک‌سالی و قحطی و مرگ در خراسان تازی و اصفهان. - جذب شدن هشام ابن ابراهیم عباسی مهمترین وکیل و یاور امام که همراه ایشان به مرو رفته بود	سیاه

202 ه. ق.	
- ازدواج تحمیلی امام رضا (ع) با دختر مأمون، امّ حبیب، و اعلام نام‌زدی امّ فضل دختر دیگر مأمون با امام جواد (ع). - مأموریت ریّان ابن شیبب، از شیعیان نفوذی فضل به عراق و خداحافظی ویژه‌ی او با امام. - در اواخر این سال، در مسیر بازگشت مأمون به عراق، چون فضل ابن سهل در حمام سرخس کشته شد، به دنبال آن، امام رضا (ع) به دستور مأمون، چند روزی در سرخس زندانی شد. علت اصلی این کار، نپذیرفتن جانشینی مناصب فضل ابن سهل و هم‌کاری نکردن امام با مأمون در حکومت‌داری بود.	سفید

<ul style="list-style-type: none"> <li>- در اواخر این سال، امام بر موعظه‌ها و نصایحش به مأمون افزود و این موجب ناراحتی مأمون شد.</li> <li>- مأمون در اواخر این سال، در مواجهه با عزّت و عظمت روزافزون امام رضا(ع)، چندین مرتبه در مرو و یک بار در سرخس، تصمیم به قتل ایشان گرفت، ولی در اجرای آن ناکام ماند.</li> <li>- بازگشت دعبل از مرو به قم و اقامت چندماهه‌ی او در قم و نشر اشعار اهل بیتی و رضوی خود در قم.</li> <li>- دیدار ابراهیم بن ابی محمود با امام جواد(ع) در مدینه در حالی که حامل نامه امام رضا(ع) برای فرزندش بود و تکریم امام جواد(ع) نسبت به نامه پدر و نسبت به ابراهیم</li> </ul>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>- در این سال، ابراهیم ابن امام کاظم (ع)، برادر امام رضا (ع) از طرف مأمون، امیرالحاج در حج آن سال شد. او پس از به جای آوردن حج، برای اصلاح امور به یمن فرستاده شد.</li> </ul>	خاکستری
<ul style="list-style-type: none"> <li>- قتل فضل ابن سهل در حمام سرخس به دستور مأمون.</li> <li>- سهل ابن سلام انصاری، به سبب گسترش فسق و فجور در شهر بغداد، نهضت امر به معروف و نهی از منکر به راه انداخت</li> <li>- کشته شدن محمد ابن فرات غالی در کوفه، به نفرین امام، به دست ابراهیم ابن شکله عبّاسی (خلیفه‌ی عبّاسیان در عراق).</li> <li>- امام رضا(ع) از مرگ علی ابن ابی حمزه‌ی بطائنی، از سران واقفیه در عراق و عاقبت شوم او خبر داد.</li> </ul>	سیاه

203 ه. ق (تا پایان ماه صفر)

سفید	<ul style="list-style-type: none"> <li>- دست‌گیری یک صوفی فقیر در توس به اتهام دزدی و برگزاری جلسه‌ی محاکمه‌ی او در دربار مأمون و با حضور امام رضا (ع) که ضمن تبرئه‌ی آن صوفی توسط امام، جلسه‌ی محاکمه، تبدیل به انتقاد از خلافت مأمون توسط آن صوفی شد. مأمون به ناچار او را آزاد کرد و در خشم از جای‌گاه امام، مقدمات شهادت ایشان را فراهم ساخت.</li> <li>- اوج‌گیری خبردهی امام نسبت به وصایت و ولایت فرزندش، امام جواد (ع)، به خادمان و ملازمان خود و یا در دیدار با شیعیان.</li> <li>- امام رضا(ع) و فرستادن پیکی به مدینه و درخواست برخی وسایل از فرزندش</li> <li>- مسموم شدن امام توسط مامون</li> <li>- امام رضا(ع) در بستر شهادت با آگاهی از همزمانی گسترده مامون با امام جواد(ع)، و در مواجهه با مظلوم‌نمائی‌های او در ماجرای شهادت، به خلیفه قاتل عباسی سفارش کرد: «با أبوجعفر رفتار خوبی داشته باش که بقای تو و او در این دنیا اندک است»<sup>6</sup></li> <li>- شهادت امام رضا (ع) در آغاز این سال در توس با انگور یا انار مسموم به دست مأمون.</li> </ul>
خاکستری	
سیاه	<ul style="list-style-type: none"> <li>- زلزله‌ی بزرگی در خراسان و ماوراءالنهر در میانه‌ی این سال (پس از شهادت امام رضا) رخ داد و خرابی بسیاری در بلخ و جوزجان و فاریاب و طالقان (شمال افغانستان) و ماوراءالنهر ایجاد کرد. نوشته‌اند: پس‌لرزه‌های آن تا هفتاد روز ادامه داشت.</li> </ul>

<sup>6</sup> . با توجه به شخصیت علمی مامون و باورمندی او به دانش غیبی امام، این سخن امام به مثابه هشدار به او بود که هر گونه تعرض از سوی مامون نسبت به امام منجر به مرگ زود هنگام خود او خواهد شد. بنا بر این امام با پیش‌بینی توطئه‌های مامون و دادن خبری غیبی به او، عملاً زمینه‌های زمینگیر ساختن مامون در برابر امام جواد(ع) را به صورت نسبی فراهم نمود.

## نکته ها و ایده ها :

مهمترین نکته در این مقطع از زندگانی امام جواد (ع)، سرمایه گذاری امام رضا(ع) به صورت گسترده در زمینه امامت فرزندش است. این مسئله از دو جهت برای امام رضا(ع) اهمیت داشت.

- اول از جهت دفع تمامی شبهه های 12 ساله واقفیه

- دوم از جهت آگاهی غیبی نسبت به شهادت زود هنگام و رخداد امامت در کودکی

بدین جهت پس از ولادت بخش عمده ای از روایات امام رضا(ع) به سوی روایاتی با موضوع امام شناسی، امامت تاریخی و امامت در کودکی و وصایت امام جواد(ع) است. ناظر به این واقعیت مسئله امامت در کودکی، امری اتفاقی و ناشی از انتشار ناگهانی خبر شهادت امام رضا(ع) در 55 سالگی نبود. بلکه به واسطه پیش آگاهی ها و فراهم نمودن زمینه های معرفتی این رویداد از سوی امام، بزرگان شیعه تا حد زیادی گزاره هایی جسته و گریخته در این زمینه دریافت کرده بودند. بدین جهت است که آغاز امامت امام جواد(ع) با تحیر نسبی و امتحان گری علما از امام جهت به یقین رسیدن نسبت به امام همراه است ولی استنکار و تعجب و یا ریزش خاص و بزرگ و یا حتی احدی از بزرگان شیعه در این مقطع از جهت منابع تاریخی گزارش نشده است.

بله در برخی منابع فرقه شناسی گزارش هایی درباره آغاز امامت امام جواد(ع) از ریزش ها یا فرقه گرایی هست مبنی بر اینکه پیروان امام رضا علیه السلام پس از شهادت آن حضرت به چند فرقه و دسته تقسیم شدند:

الف) فرقه ای به امامت امام جواد علیه السلام قایل شدند؛

ب) فرقه ای به امامت احمد بن موسی بن جعفر معتقد شدند و گفتند پدرش امام موسی بن جعفر علیه السلام او را پس از برادرش امام رضا علیه السلام وصی قرار داده است؛

ج) و فرقه ای را «مؤلفه» نامیدند چرا که به امامت امام رضا علیه السلام عقیده داشتند و چون حضرت وفات کرد، درباره امامت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام به توقف معتقد شدند و دوباره واقفی گشتند؛

د) فرقه‌ای از زیدیه، که چون مأمون با عنوان ولایت عهدی، با امام رضا علیه السلام بیعت کرد، به امامت حضرت معتقد شدند، ولی پس از حضرت رضا علیه السلام به عقیده پیشین خود بازگشتند.<sup>۷</sup>

ولی در نقد این ادعا باید دانست که:

دلیل بی استناد بودن اکثر این فرقه‌ها این است که نویسندگان بین جامعه شیعه دوازده امامی با فرق مدعی تشیع واقفیه و زیدیه خلط کرده است. و اگر ریزش یا بازگشتی بوده در نزد آن فرقه‌ها بوه است.

ثانیا این ادعاها بیشتر ناشی از فرض این بوده که اگر قرار بود ریزشی رخ دهد چگونه می‌توانست باشد. نه اینکه یک تحقیق مستند میدانی باشد. چرا که همو در ادامه گزارشی از اختلاف علمای شیعه در زمینه علم امامت در کودکی می‌دهد که به جای اینکه اختلافی واقعی باشد بیشتر گزارشی از روایات پراکنده ای است که بدست مولف در آن زمان رسیده بوده<sup>۸</sup>

نظر به راهبردی رضوی در زمینه وصایت و فرایند پذیرش امامت در جوئی آرام ولی عالمانه (همراه آزمایش نشانه‌های امامت<sup>۹</sup>)، نمونه ای از ایده‌های برنامه این مرحله از گاه شماری زندگانی امام چنین است:

جدول ایده یابی	
خاستگاه ایده	ایده های برنامه ای/تبلیغی
زمانه تولد امام جواد(ع)	تولد در زمانه درگیری خط خلافت، فرصتی برای امام رضا(ع) جهت از بین بردن تمامی شک و شبهه ها در زمینه امامتش به ویژه در فرصت سفرهای شیعیان به حج پس از تولد
امام رضا(ع) و مسئله وصایت	امام رضا(ع) با آگاهی از کوتاهی زمان حیات خود، برای وصایت امام جواد(ع)، روندی پیوسته و منظم اجرا نمود که شامل این مراحل بود: بدو تولد، دیدارهای تا پیش سفر به خراسان، سفر حج وداعیه، در طول مسیر سفر به خراسان، در دیدارهایش با شیعیان مسافر به خراسان، در نامه نگاری هایش
سفرهای شیعیان به خراسان	با وجود دوری مرو از عراق و حجاز، رفت و آمد نسبی برخی از شیعیان و شاعری چون دعبل، زمینه ساز تبلیغ اعلان وصایت و امامت امام جواد(ع) به آنان و باز انتشار آن از طریق این افراد در گستره جغرافیای تشیع از خراسان و قم تا عراق و حجاز گردید

7. حسن بن موسی نوبختی، فرق الشیعه، ص 85.

8. همان: اما کسانی که به امامت حضرت قابل شدند نیز در کیفیت علم امام اختلاف کردند. پاره‌ای گفتند: امام ناگزیر و به‌طور قطع باید عالم باشد، و علم او از پدرش به او نرسیده؛ زیرا درحالی‌که چهار سال و اندی از سن او می‌گذشت پدرش را به خراسان بردند، ولی خداوند هنگام بلوغ، علمی که لازمه مقام امامت است به او تعلیم می‌کند. بعضی نیز گفتند: او پیش از بلوغ، امام است و هنگامی که بالغ شد علم لازم را نه از طریق الهام و القای در قلب و شنیدن صدای فرشته، بلکه از راه مطالعه کتابهای پدرش به دست خواهد آورد؛ چرا که وحی منقطع گشته است.

9. آزمایش مدعیان به علم غیب و عصمت و ولایت تکوینی

<p>امام رضا(ع) ، و پیشگویی و توصیه اش به مامون</p> <p>امام رضا(ع) با پیش آگاهی از قصد مامون برای سوء استفاده های مامون از کودکی و جوانی امام جواد(ع) ، با دادن خبری غیبی و هشدار دهنده، مامون را در اجرای بسیاری از توطئه هایش زمینگیر می کند</p>	<p>امام رضا(ع) ، و پیشگویی و توصیه اش به مامون</p>
<p>- مقایسه تاریخی آغاز امامت 12 امام از جهت شدت و ضعف توطئه های دشمنان و از جهت میزان تحیر یا ثبات ایمانی خواص و عموم شیعه</p> <p>- مقایسه کلامی آغاز امامت امامان 12 گانه از جهت پیش آوردن مسائل کلامی جدید و سیر تطور مسائل کلامی آغاز امامت</p>	<p>آغاز امامت امام جواد(ع)</p>

## گاه شمار تقوی:

این دوران از سال 203 تا 220، به مدت 17 سال را شامل می شود. در حالی که مرکز خلافت در آغاز این دوران مرو است ولی خیلی سریع به بغداد منتقل می گردد. و مرکز امامت هم که در مدینه است گهگاه به صورت موقت به بغداد منتقل می گردد. گاه شمار رویدادهای این دوران چنین است:

سال 203 هجری قمری (از آغاز ماه ربیع الاول)	
سفید	- امام جواد (ع) پس از شهادت پدر، با طی الارض به خراسان رفته و عهده دار مراسم غسل و کفن پدر می شود.
	- در این سال امام رضا(ع) طی نامه ای درخواست کرده بود که یک سری وسائل را اختصاصی را از مدینه به خراسان نزد ایشان بفرستند. ولی پس از مدتی امام جواد(ع) پیکی روانه کرد تا همان اموال را به مدینه بازگردانند و کسی در مدینه دلیل این کار را نمی دانست. بعدها که خبر شهادت امام رضا(ع) به مدینه رسید همه متوجه شدند ارسال آن پیک، در همان روز شهادت حضرت بوده است.
	- امام جواد(ع) پس از شهادت پدر برای ایشان در مدینه مجلس سوگواری می گیرد و اندک شیعیان مدینه به راحتی امامت امام جواد(ع) را می پذیرند.
	- احترام ویژه علی بن جعفر در مسجد النبی از امام جواد (ع) در کودکی، جهت تثبیت امامت ایشان در نزد شیعه و جامعه اسلامی <sup>10</sup>

10 . محمد بن حسن بن عماد روایت می کند که گفت: من در حضور علی بن جعفر - عموی بزرگوار حضرت رضاعلیه السلام - در مسجد النبی نشسته بودم، دو سال بود که در مسجد رسول خدا به درس او می رفتم و از محضرش مستفیض می شدم، یک روز ناگاه دیدم امام جوادعلیه السلام که کودک خردسالی بود، در مسجد النبی به نزد علی بن جعفر علیه السلام آمد، علی بن جعفر علیه السلام تا آن حضرت را دید، شتابان برخاست و با پای برهنه و بدون ردا به سوی حضرت جوادعلیه السلام شتافت و دست او را بوسید و به او احترام شایان نمود. حضرت جوادعلیه السلام به او فرمود: ای عمو! بنشین. خدا تو را رحمت کند. علی بن جعفر گفت: ای آقای من! چگونه بنشینم با این که تو ایستاده ای؟ هنگامی که علی بن جعفر علیه السلام به مجلس درس خود بازگشت، اصحاب و شاگردانش او را سرزنش کردند و به او گفتند: تو، عموی پدر او هستی، در عین حال با این سن و سال، این گونه در برابر حضرت جوادعلیه السلام که خردسال است، فروتنی می کنی و دستش را می بوسی و آن همه احترام شایان می نمایی؟ علی بن جعفر علیه السلام گفت: ساکت باشید. آنگاه محاسن خود را به دست گرفت و گفت: اذاکان الله عزوجل لم یوهل هذا الشیبة و اهل هذا الفتی و وضعه حیث وضعه، انکر فضله، نعوذ بالله مما تقولون بل انا له عبید؛ اگر خداوند، صاحب این ریش سفید را شایسته (امامت) ندانست، و این نوجوان را سزاوار دانست، و به او چنان مقامی داد، آیا من فضیلت او را انکار کنم؟ پناه به خدا از سخن ناروای شما. من، غلام و برده او هستم و او مولای من است (کلینی، الکافی، ج 1، ص 322، ح 12).

از خود علی بن جعفر نقل شده: «روزی شخصی که به گمانم از گروه واقفه بود از من پرسید: برادرت امام کاظم (ع) چه شد؟ گفتیم: از دنیا رفت. گفت: از کجا می گویی؟ گفتیم: هم اموالش تقسیم شد و هم زنانش به ازدواج رفتند و هم امام پس از او زبان گشود ... گفت: امام پس از او کیست؟ گفتیم: پسرش ابو جعفر. گفت: با چنین سن و جایگاهی صحبت از امامت این نوجوان می کنی؟! گفتیم: در نظرم شیطان می آید. سپس ریشش را گرفته بالا آورد و افزود: وقتی خداوند او را قابل دانسته و این ریش سفید را نه، از دست من چکار می آید؟». (شیخ طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص 429، ش 803).

<p>- پس از انتشار خبر شهادت امام رضا(ع) در اوائل سال علمای برجسته‌ی شیعه در بغداد جلسه‌ای مخفیانه می‌گیرند. دستاورد جلسه، پذیرش امامت امام است. البته در نهایت جمعی 80 نفره از خواص شیعه در اواخر سال، در پوشش سفر حج راهی مدینه می‌شوند تا با امام دیدار کرده و به اطمینان بیشتر دست یابند. (سفری که 9 ماه پس از آغاز امامت امام جواد(ع) صورت می‌گیرد)</p> <p>- به گزارش ابن شهر آشوب، علی بن مهزیار اهوازی هم از کسانی بود که پس از شهادت امام رضا(ع) برای تحقیق درباره جانشین آن حضرت راهی مدینه شده است.</p> <p>- نامه ام ولد عیسی یقطینی به امام در سال 203 درباره حکم اماء و عبید، نامه ای که تقریباً از اولین نامه های شیعیان به امام (از عراق) است.</p> <p>- طبق گزارشهایی که در منابع متاخر است، پس از شهادت امام رضا (ع) برخی از برادران آن حضرت در مناطق مختلف به شهادت می‌رسند. مشهورترین آنان احمد بن موسی است که چند ماه پس از شهادت امام رضا(ع)، در شیراز به شهادت می‌رسد. و یا دو برادر دیگر امام به نام های محمد و زید النار در خراسان جنوبی به شهادت می‌رسند.<sup>11</sup></p> <p>عده ای هم در کوهستان های دیلم و طبرستان به شهادت می‌رسند.<sup>12</sup></p> <p>- مسموم شدن و رحلت محمد دیباج، در حالی که همراه مأمون در سفر بازگشت او به عراق بود، دو ماه پس از شهادت امام رضا (ع) (در حوالی گرگان)</p>	
<p>- پس از شهادت امام رضا (ع)، عده‌ای از زیدیه که در جریان ولایتعهدی، امامت امام رضا (ع) را پذیرفته بودند و به امام پیوسته بودند، دوباره به مسلک زیدیه‌ی خود بازمی‌گردند.</p>	<p>خاکستری<sup>13</sup></p>
<p>- مأمون در سفر بازگشت به عراق، در ری به‌علت تولد پدرش هارون در این شهر و علاقمندی شخصی به این شهر، دو میلیون درهم از مالیات سالیانه‌ی ری کاست؛ رویدادی که که بعدها باعث اعتراض قمی‌ها شد.</p>	<p>سیاه<sup>14</sup></p>

11 . مجموعه مقالات همایش سیره و زمانه امام جواد (ع) ج 1 ص 416

12 . مرعشی تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ، ص 277

13 . منظور از خاکستری جریان‌های آغازین زیدیه و یا علویانی است که در تقابل مستقیم با امامان نیستند ولی در مسیر مستقیم ولایت هم نیستند یا علمای عامه‌ای که دارای تمایلات عام اهل‌بیتی می‌باشند.

14 . شامل تمامی سرمایه‌های اجتماعی جامعه‌ی باطل می‌باشد. اعم از خلیفه و حاکمان و عالمان و شاعران و ....

سال 204 هجری قمری

<p>سفید</p> <p>- امام جواد (ع) برای اولین مرتبه، توسط مأمون به بغداد فراخوانده می‌شود، در این سفر اولین مناظره‌ی امام با یحیی بن اکثم و آن‌گاه اجرای عقد ازدواج امام با ام فضل در 15 ذی‌حجه‌ی این سال برگزار می‌شود.</p> <p>- اولین مواجهه مأمون با امام در این سفر در هنگامی است که مأمون برای شکار عازم بیرون بغداد است و امام را در کنار یکی از کوچه‌های بغداد با وقار و هیبت در عین کودکی می‌بیند و ... 15</p> <p>- دیدار گروهی از شیعه‌ری با امام در بغداد<sup>16</sup></p> <p>- پس از اطمینان خواص شیعه در سفر حج سال گذشته نسبت به امامت امام، آنان پس از آن امور سازمان وکالت را زیر نظر امام ادامه دادند و مبلغینی را از کوفه و مدینه به استان‌های مختلف فرستادند. بنابه نقل «نجاشی»، برخی از محدثین کوفه همچون محمدبن محمدبن اشعث، احمدبن سهل، حسین بن علی مصری و اسماعیل بن موسی کاظم به مصر مهاجرت کردند و فعالیت‌های خود را در آنجا ادامه دادند. «کلینی» روایتی را نقل می‌کند که در سال‌های بعد برخی از مصریان به تشیع گرویده بودند. چرا که علی بن اسباط کوفی از مصر به مدینه آمد تا امام جواد (ع) را ملاقات کند و گزارش آن را به امامیه‌ی مصر شرح دهد.</p>	
--	--

15 . كشف الغمہ 2: 344. : محمد بن طلحه نقل می‌کند که یک سال پس از شهادت امام رضا(ع)، مأمون به بغداد آمده بود. روزی به شکار رفت، در مسیر رفتن، امام جواد(ع) همراه کودکان مشغول بازی بود و در آن زمان حدود یازده سال داشت. مأمون که رسید، بچه‌ها فرار کردند ولی امام جواد(ع) ایستاد و از جای خود تکان نخورد. خلیفه نزدیک شد، نگاهی به سیمای ایشان کرده و خداوند اثری بر دل مأمون گذاشت که همان‌جا ایستاد و گفت چه شد که تو با بچه‌ها فرار نکردی. امام جواد(ع) فرمود: «ای امیر المؤمنین! راه تنگ نبود تا من با کنار رفتن خود آن‌را وسیع کنم؛ کار بدی نیز نکرده بودم که بترسم. همچنین به شما خوش‌گمان بودم و می‌دانستم که شما کسی را که گناهی نکرده، اذیت نمی‌کنید و به همین جهت ایستادم». مأمون از سخنان آن‌حضرت خرسند شده گفت: اسم شما چیست؟ فرمود: «محمد». پرسید پسر کیستی؟ فرمود: «پسر علی بن موسی الرضا». مأمون به یاد امام رضا(ع) افتاد و تقاضای رحمت و مغفرت برای آن بزرگوار کرد و دستی بر صورت امام کشید.

[سپس مأمون به راه خود ادامه داده و رفت] مأمون چند بازشکاری به همراه داشت. از شهر که دور شد یکی از بازها را برای صید دراجی به پرواز در آورد. مدتی از نظر پنهان شد آن‌گاه از آسمان فرود آمد در منقار خود ماهی کوچکی داشت که هنوز زنده بود، خلیفه از دیدن ماهی به منقار باز، تعجب کرد. آن ماهی را در دست گرفت و از همان راهی که رفته بود به منزل برگشت. به همان محل که رسید بچه‌ها را در حال بازی دید. آنها از دیدن مأمون متفرق شدند ولی امام جواد(ع) در همان‌جا ایستاد. خلیفه به امام نزدیک شده گفت: محمد! امام: «بلی». مأمون: در دست من چیست؟

خداوند به امام(ع) الهام نموده و ایشان در جواب گفت: «خداوند با اراده خود در دریای بیکران قدرت خویش ماهی‌های کوچکی آفریده که به وسیله باز شکاری پادشاهان و خلفا صید شوند و این‌گونه اولاد پیامبر را از مایش کنند!». مأمون از شنیدن جواب ایشان بسیار در شگفت شد با دقت تمام در چهره آن‌جناب خیره شده و گفت: تو به راستی فرزند حضرت رضا(ع) هستی و سپس مهربانی بیشتری نسبت به ایشان فرمود

16 . موسوعة الإمام الجواد(ع)، الخزعلي ج 1 306 : یحیی بن ابی عمران، قال: إن موسى ابن جعفر الداری، قال: وردنا جماعة من أهل الری إلى بغداد نريد أبا جعفر عليه السلام، فدللنا عليه : این دیدار در این سال بوده است چرا که گزارش این دیدار را موسی بن جعفر داری به یحیی بن ابی عمران گفته است. یحیی هم در سال 210 شهید شده است. پس یحیی در زمان حضورهای بعدی امام در بغداد زنده نبوده که روای گزارش‌های آن باشد.

<ul style="list-style-type: none"> <li>- آزادی اباصلت از زندان خراسان با معجزه‌ی امام جواد (ع) ، این آزادی یک‌سال پس از شهادت امام رضا (ع) صورت گرفت و اباصلت پس آن ساکن نیشابور و توس شد.</li> <li>- رحلت داودبن کثیر رقی اسدی کوفی از محدثین شیعه؛ بعد از سال 203 ه در مدت زمان کمی.</li> <li>- پس از ورود مامون به بغداد او محمد بن ابی عمیر را که به تشیع و دانش شناخته بود احضار کرد و از او خواست که منصب قضا را بپذیرد ولی او نپذیرفت. پس او را زندان کرد و این زندان 4 سال طول کشید. در جریان دستگیری او به نقل شیخ طوسی بخش عمده ای از کتاب های حدیثی او در کنار اموال فراوانش مصادره شد. (کتاب هایی که یا از بین رفت یا هیچگاه به او بازگردانده نشد).<sup>17</sup></li> </ul>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>- امیر حاج (سرپرست کاروان حاجیان) در این سال عبیدالله بن حسن علوی والی حریمین از طرف مامون بود.</li> </ul>	خاکستری
<ul style="list-style-type: none"> <li>- مأمون در اوائل این سال وارد بغداد شد؛ او روند بازگشت از خراسان به بغداد را با کنندی انجام داد.</li> <li>- مأمون پس از ورود به بغداد با قاطعیت با جریان اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر برخی از علمای عامه‌ی بغداد مقابله کرده و دستور ممنوعیت آن را صادر کرد.</li> <li>- مرگ شافعی در مصر در ماه رجب؛ او به علت محبت اجمالی‌ای که به اهل بیت پیامبر ابراز می‌کرد، نه در حجاز و نه در عراق جایگاهی نزد عامه و علمای آنان نیافت، لذا برای نشر مذهب خود به مصر رفت.</li> <li>- مرگ ابوداود، صاحب یکی از صحاح سته‌ی اهل سنت.</li> <li>- مرگ ابن کلبی صاحب تألیف در تراجم و انساب و تاریخ، در بغداد؛ مانند: الجمهوره فی النسب).</li> </ul>	سیاه

سال 205 هجری قمری	
<ul style="list-style-type: none"> <li>- به نوشته‌ی برخی مورخین امامت امام جواد (ع) ، مدتی مخفیانه بود تا این که ایشان ده- ساله شد، پس از آن امام جواد (ع) آشکارا به تبلیغ امامت خود پرداخت؛ در این زمان</li> </ul>	سفید

17 . اختیار معرفة الرجال، ج2، ص 854

<p>سیل پرسش‌ها متوجه امام شد؛ حضرت در حالی که ده سال بیشتر نداشتند آنها را پاسخ می‌دادند.</p> <p>- رحلت عثمان بن عیسی ابوعمر و کلابی رواسی کوفی (بعد از سال 203 ه ق) از علمای برجسته‌ی شیعه و از اصحاب اجماع نزد محدثین و فقهای شیعه. او در خواب دید که به زودی در کربلا رحلت خواهد کرد. پس از کوفه راهی کربلا شد و مدتی کوتاه در آنجا همراه فرزندانش سکونت یافت تا وقتی رحلت کرد و در همان جا دفن شد.</p>	
<p>- والی حرمین و امیر حج در این سال همان عبیدالله بن حسن علوی است.</p> <p>- گزارشی از درک ناقص امامت در کودکی و آوردن برخی وسایل تفریحی برای امام از سوی یکی از شیعیان مصری و مواجهه کریمانه امام با او<sup>18</sup></p>	خاکستری
<p>- مرگ ابوالنضر لیثی خراسانی بغدادی از اساتید احمد بن حنبل و از معتقدین به امر به معروف و نهی از منکر و از علمای محبوب در بغداد</p>	سیاه

سال 206 هجری قمری	
	سفید
<p>- عبیدالله بن الحسن بن عبیدالله بن العباس بن علی بن ابی طالب (ع) که والی مکه و مدینه بود در اواخر این سال از منصب خود عزل شد.</p>	خاکستری
<p>- مرگ اشتهب برجسته‌ترین عالم مصر پس از شافعی.</p> <p>- مرگ داود بن محبر طائی بصری از علمای معتزله که کتابی در عقل جمع کرد و مغضوب محدثین عامه گردید.</p> <p>- مرگ عبدالله بن نافع مدنی مخزومی، فقیه مردم مدینه که شاگرد مالک بن انس بود و بر مذهب او فتوی می‌داد و محل مراجعه‌ی عامه‌ی مدینه بود.</p> <p>- مرگ یزید بن هارون بن زاذنی أبو خالد السلمی که در اصل از بخارا ولی ساکن واسط در عراق بود. او از محدثین به نام عامه بود که هم مقبولیت اجتماعی داشت و هم از قائلین به</p>	سیاه

18 . موسوعة الإمام الجواد(ع)، الخزعلي، ج 1، ص 278 : إخباره عليه السلام عما في الضمير: علي بن حنّان الواسطي المعروف بالعمش «3» قال: حملت معي إليه عليه السلام من الآلة التي للصبيان، بعضها من فضة، و قلت: اتحف مولاي أبا جعفر بها. فلما تفرّق الناس عنه عن جواب لجمعهم، قام فمضى إلى صربيا «4» و أتبعته، فلقيت موقفا، فقلت: استأذن لي على أبي جعفر. فدخلت فسلمت، فردّ علي السلام، و في وجهه الكراهة، و لم يأمرني بالجلوس، فدنوت منه و فرّغت ما كان في كمي بين يديه، فنظر إليّ نظر مغضب، ثم رمى يمينا و شمالا، ثم قال: ما لهذا خلقتني الله «1»، ما أنا و اللعب؟ فاستعففته، فعفا عني، فأخذتها فخرجت

<p>و جوب امر به معروف بود. او از نواصب بود و امام علی را دشمن می‌داشت؛ به همین جهت هم ساکن واسط شده بود که از مراکز نواصب در عراق بود. او از مخالفین سرسخت نظریه‌ی خلق قرآن بود. پس تا او زنده بود مأمون به جهت جلوگیری از مخالفت‌های او و همراهی عامه با آن، خواسته و نظریه اش درباره خلق قرآن را اجرائی نکرد.</p>	
---	--

سال 207 هجری قمری	
	سفید
<p>- خروج عبدالرحمان علوی در یمن که با ناکامی زودهنگام او مقابل لشکر مأمون همراه بود و منجر به تسلیم شدن او شد؛ بازتاب قیامش سخت‌گیری موقت مأمون بر طالبیان در بغداد بود.</p> <p>- مرگ فرآء، نحوی معروف در راه مکه.</p>	خاکستری
<p>- مرگ مشکوک طاهربن حسین والی خراسان در نیشابور، چهل روز پس از اعلان حکومت طاهریان.</p> <p>- امیر الحاج در این سال، ابواسحاق برادر مأمون بود.</p> <p>- مرگ واقدی، عالم معروف در علم مغازی و تاریخ. او از علمای مدینه بود پس جذب عباسیان شد و مرگ او در حالی که قاضی شرف بغداد بود فرارسید؛ کفنش را مأمون داد.</p>	سیاه

سال 208 هجری قمری	
	سفید
<p>- رحلت یونس بن عبدالرحمان که از اصحاب اجماع و برجسته‌ترین بزرگان شیعه در عراق و بغداد بود. او 54 حج و 45 عمره انجام داده بود و آخرین حج را هم به نیابت از امام رضا (ع) انجام داد و پس از آن ساکن مدینه شد و همانجا رحلت نمود.</p> <p>- رحلت سیده نفیسه در مصر و بازتاب مزار او بر مصریان که منجر به توجه گسترده‌ی آنان به آن شد.</p> <p>- رحلت جعفر بن بشیر بجلی، ابومحمد کوفی الوشاء، مأمون بعد شهادت امام رضا (ع) از میان علمای شیعه تنها با او انس داشت.</p>	

<p>- در این سال امام جواد (ع) از مدینه نامه‌ای به وکیلش در شهر همدان (ابراهیم بن محمد همدانی) نوشت. امام به پیک دستور داده بود که به او بگوید تا زمانی که یحیی بن عمران وکیل امام در شهر قم زنده است آن نامه را باز نکند.</p> <p>- زمان تقریبی آزادی محمد بن ابی عمیر از زندان مامون. او وقتی از زندان آزاد شد به علت مصادره اموالش (نزدیک به پانصد هزار درهم) در نهایت تنگدستی بود. او در این سال ها با وجود کهولت سن تلاشی شبانه روزی برای احیای کتاب های حدیثی از دست رفته اش را آغاز نمود.<sup>19</sup></p>	
	خاکستری
	سیاه

سال 209 هجری قمری	
<p>- رحلت حماد بن عیسی (حوالی 119 تا 209 ه ق) کوفی الاصل و ساکن بصره که از زمان امام صادق (ع) از علمای شیعه بود و از اصحاب اجماع شمرده می شد. او در شهر بصره مهم ترین وزنه علمی و اجتماعی شیعیان در این سال ها بود. او از امام کاظم (ع) خواست که برایش دعای حج و ازدواج و اموال بنماید و امام برایش 50 حج از خدا خواست. او در این سال در مسیر سفر حج پنجاه و یکم خود پس از دیدار امام جواد (ع) در مدینه در جحفه به علت جاری شدن سیل در نود و چند سالگی رحلت نمود. و مزارش در همانجا قرار گرفت.</p> <p>- دیدار عبدالجبار نهاوندی از شیعیان مناطق فتح شده به شمشیر خلافت با امام در مدینه و درخواست آزادی از عبودیت احتمالی توسط امام و پذیرش درخواستش توسط امام</p> <p>- امام جواد (ع) در سال های پس از رحلت یونس در دیدارهای اصحاب و یا در نامه های آنان که از یونس بن عبدالرحمان پرسیده بودند بر او ترحم می فرستد.</p>	سفید
	خاکستری

19 . اختیار معرفه الرجال، 540: بنوشته شیخ طوسی، ابن ابی عمیر از بزرگان شیعه در بغداد بود که دارای 94 کتاب حدیثی بود که بیشتر آنان یا در زمان هارون از بین رفت یا پس بعد از شهادت امام رضا (ع) (زمانی که مامون به بغداد رسید) و او ناچار شد پس از آن (تا سال 217 که رحلت کرد) دوباره برخی از آن احادیث را از حفظ بنویسد که این مرتبه تنها 40 کتاب نگاشت که آنها را النوادر نامید.

سیاه	- مأمون در این سال به صورت رسمی علمای معتزله و کلام را که در رأس آنان بشرین غیاث مریمی، و ثمامه بن اشرس بودند را خواست که با علمای دیگر مناظرات کلامی به راه اندازند.
------	---

سال 210 هجری قمری	
سفید	<ul style="list-style-type: none"> <li>- سال به بلوغ شرعی رسیدن امام جواد (ع)</li> <li>- رحلت صفوان بن یحیی در مدینه از بزرگان شیعه و از اصحاب اجماع، امام جواد (ع) کفن او را متقبل شد و به اسماعیل بن امام کاظم (ع) دستور داد که نمازش را بخواند. او در بقیع دفن شد.</li> <li>- رحلت علی بن جعفر علوی برجسته ترین شخصیت علمی شیعه در مدینه پس از امام و دفن شدن او در روستای عریض در حومه شمال شرقی مدینه.</li> <li>- اولین قیام مردم قم در اعتراض به خراج سنگینی که خلافت عباسی از آنان می گرفت. قیامی که منجر به شکست آنان شد و در نتیجه خراج بیشتری بر آنان تحمیل شد. پس از آن برخی از قمی ها به مصر تبعید شدند که در میان ایشان، جعفر بن داود قمی رهبر اصلی قیام وجود داشت. در میان مقتولان هم، «یحیی بن ابی عمران» بود که وکیل امام جواد (ع) در قم بود. بدین جهت پس از شهادت او «ابراهیم بن محمد همدانی» وکیل امام جواد (ع) در همدان نامه ای را که امام دو سال پیش به او داده بود را گشود و مشاهده کرد که امام وی را به جای یحیی بن ابی عمران منصوب نموده است. معلوم شد در این زمان آشفته در شهر قم، به صلاح دید امام، وکلای همدان نظارت و مدیریت بر امور شیعیان قم را موقتا به عهده گرفتند؛ چرا که قم و همدان هر دو در منطقه جبال بوده اند.<sup>20</sup></li> <li>- نامه نگاری علی بن مهزیار با امام درباره ی رویدادهای قم و پاسخ دادن امام به نامه او و دعا نمودن برای فرج و گشایش برای قمی ها</li> </ul>

20 طبری: ذکر الخبر عن سبب خلعهم السلطان و مال امرهم في ذلك:

ذکر ان سبب خلعهم اياه كان انهم كانوا استكثروا ما عليهم من الخراج، و كان خراجهم الفی درهم، و كان المأمون قد حط عن اهل الري حين دخلها منصورا من خراسان الى العراق، ما قد ذكرت قبل، فطمع اهل قم من المأمون في الفعل بهم في الحط عنهم و التخفيف مثل الذي فعل من ذلك باهل الري، فرفعوا اليه يسالونه الحط، و يشكون اليه ثقله عليهم، فلم يجيبهم المأمون الى ما سألوه، فامتنعوا من ادائه، فوجه المأمون اليهم علي بن هشام، ثم امده بعجيف بن عنبسة، و قدم قائد لحميد يقال له محمد بن يوسف الكح بعرض من خراسان، فكتب اليه بالمصير الى قم لحرب أهلها مع علي بن هشام، فحاربهم علي فظفر بهم، و قتل يحيى بن عمران و هدم سور قم، و جباها سبعة آلاف درهم بعد ما كانوا يتظلمون من الفی درهم.)

<p>- سفر احمد بن ابی نصر بزنطی (از بزرگان شیعه) به حجاز و انجام حج همراه با امام جواد (ع) (در سفری که اولین سفر حج امام پس از رسیدن به سن بلوغ بود)، و بازتاب این سفر چند روایت احمد از امام درباره مسائل و احکام حج است.</p>	
<p>- دستور مأمون به والی مدینه قثم بن جعفر برای بازگرداندن فدک به اهل بیت و واگذاری تولیت آن به محمد بن یحیی بن حسین بن زید بن علی بن حسین و محمد بن عبدالله بن حسن بن علی بن حسین</p>	خاکستری
<p>- ازدواج مأمون با پوران (دختر حسن بن سهل) و ریخت و پاش اموال فراوان در این ازدواج. - مرگ بشر بن معتمر از علمای برجسته‌ی معتزله در بغداد. - آغاز سفرهای علمی بخاری مؤلف صحیح بخاری، او در این سال در قالب سفر حج به مکه آمد و مهم‌ترین فردی که او به استادی انتخاب کرد، محدثی بنام «حمیدی» ساکن در مکه بود که از شاگردان شافعی و از دشمنان ابوحنیفه بود. او پس از آن به عراق و خراسان و دیگر مناطق هم برای استماع حدیث سفر کرد این سفرها کمتر از 5-6 سال طول کشید و او در حوالی سال «216 ه ق» دوباره به بخارا برگشت. او در این سفرها نزد هیچیک از بزرگان شیعه و یا زیدیه شاگردی نکرد و در کتابش هم اصرار به حذف احادیث شیعه و یا در تایید اهل بیت داشت.</p>	سیاه

سال 211 هجری قمری	
<p>- ازدواج امام جواد (ع) با مادر امام هادی (ع) در آغاز سن بلوغ؛ آن حضرت به مجرد بلوغ به برنامه‌ریزی برای تولد امام بعدی پرداخت. چرا که از توطئه‌هایی که مأمون برای زندگی خانوادگی ایشان کشیده و در آستانه‌ی اجرای آن بود، آگاهی داشت؛ بدین جهت به سرعت برای تولد امام بعدی برنامه ریزی و پیش‌دستی نمود.<sup>21</sup></p>	سفید
<p>رحلت عبدالرزاق بن همام صنعانی حمیری نویسنده کتاب معروف المصنف از بزرگان حدیث عامی و مشهور به تشیع به خاطر قائل بودن به افضلیت امام علی (ع)</p>	خاکستری

21. در تاریخ امامت داستان ولادت امامانی مانند امام جواد و امام هادی و امام زمان از جهت اهمیت تاریخی آن مشترک می‌باشند. داستان تولد امام جواد اهمیت‌اش ناظر به حساسیت جامعه‌ی شیعه و دیر هنگام بودن آن است. اهمیت داستان تولد امام هادی هم به واسطه‌ی نقشه‌های مرموزانه‌ی مأمون برای ازدواج تحمیلی و حساب‌شده‌ی دخترش با امام جواد است تا یا نسل امام بعدی از تباری عباسی باشد و یا احتمالاً مانع تولد امام بعدی از دیگر همسران امام بگردد. اهمیت داستان تولد امام زمان (عج) هم ناظر به تلاش همه‌جانبه‌ی عباسیان برای جلوگیری از آن می‌باشد. جالب است که تحت تأثیر این شرایط ویژه است که این تولدهای سه‌گانه همگی در شرایطی رخ می‌دهد که در نهایت منجر به مسئله‌ی امامت در کودکی می‌گردد.

سیاه	- مأمون در این سال حکم به فضیلت نداشتن معاویه داد. <sup>22</sup>
------	--

سال 212 هجری قمری	
سفید	<ul style="list-style-type: none"> <li>- تولد امام هادی (ع) در صریاً در 15 ذی حجه.</li> <li>- روایات امام جواد (ع) درباره امیرالمومنین (ع) و فضائل ایشان به موازات فضای و فرصت اجتماعی ایجاد شده برای نشر فضائل حضرت</li> <li>- رحلت ، نصر بن مزاحم منقری، از مورخان شیعی اهل عراق وی در قیام ابوالسرایا، علیه بنی عباس شرکت کرد و ابوالسرایا مسئولیت بازار را به او سپرد. وقعه صفین، الجمل، الغارات، مقتل حجر بن عدی و مقتل حسین بن علی از آثار اوست.</li> </ul>
خاکستری	
سیاه	<ul style="list-style-type: none"> <li>- مأمون و اعلان رسمی افضلیت امام علی (ع) در ماه ربیع الاول</li> <li>- مامون و اعلان رسمی و راه اندازی تدریجی ماجرای خلق قرآن در این سال، بدون اجبارگری علمای عامه برای امتحان گرفتن بر آن؛ در حقیقت در این سال زمینه سازی ها برای این موضوع شروع شد و آن گاه در سال های بعد مرحله تحمیل اجباری این سیاست فکری/فرهنگی جدید شروع شد. در پذیرش و اجرای این سیاست او تحت نفوذ احمد بن ابی داود معتزلی بود.</li> <li>- رحلت عبدالله بن محمد بن اسماعیل امام سوم اسماعیلی ها در سلمیه شام در 30 سالگی و جانشینی فرزندش احمد به جای او (او متولد 198 ق بود و در این سال 14 سال بیش نداشت)</li> <li>- مرگ عبدالملک ماجشون تیمی مدنی فقیه مدینه و مرجع فقهی آنان در زمان خود که بر فقه مالک فتوی می داد. و بسیار علاقمند به شنیدن غنا بود</li> </ul>

سال 213 هجری قمری	
-------------------	--

22 . (و فیها امر المأمون منادیا فتادی: برئت الذمة ممن ذکر معاویه بخیر، او فضله علی احد من اصحاب رسول الله ص)

<p>- امام جواد (ع) برای فرزندش امام هادی (ع) در حالی که در گهواره بود حرزی را نوشت و با او همراه می داشت و به یارانش هم توصیه می فرمود که ان حرز را برای دفع بلا یا و شر و گرفتاری با خود همراه داشته باشند.<sup>۲۳</sup></p> <p>- تولد موسی مبرقع دومین فرزند امام در مدینه.</p> <p>- دیدار دوم عبدالجبار نهاوندی در آغاز این سال با امام در بازگشت از حج در مدینه و گرفتن نامه آزادی اش را از امام</p>	سفید
<p>- رحلت خالد بن مخلد قطوانی کوفی از علمای عامه که دارای گرایش های شیعی بود و بسیاری از علمای عامه شاگرد او بودند.</p> <p>- رحلت علی بن قادم کوفی از محدثین و از اساتید محدثین عامه خصوصا بخاری (صاحب صحیح) که مشهور به تشیع بود</p> <p>- علی بن حدید مدائنی از فطحی های دارای تعامل فراوان با شیعه، در ماه رمضان این سال ساکن مدینه است و در زمینه عمره رمضانیه و برخی احکام دیگر با امام (که ساکن صریا در حومه مدینه است) نامه نگاری دارد.</p>	خاکستری
<p>- مرگ ثمامه بن اشرس از علمای معتزله و از اساتید مأمون.</p>	سیاه

سال 214 هجری قمری	
<p>- به نقل طبری، جعفر بن داود قمی از مصر گریخت و در سال 214 ه ق دوباره در قم قیام کرد، ولی از سوی لشکر اعزامی از سوی عبدالله بن طاهر به فرماندهی عزیز غلام او شکست خورد و دستگیر شده و دوباره به مصر تبعید گردید.</p>	سفید
<p>- رحلت عبیدالله بن موسی عبسی کوفی از علمای عامه و از شاگردان امام صادق (ع) و از اساتید بخاری و احمد بن حنبل و جمع دیگری، دارای گرایش های شیعی</p>	خاکستری
<p>- اوج گیری شورش و نافرمانی عمومی در مصر، شورش که به مدت 2 سال طول کشید و مامون را به شدت نگران کرد (و احتمالا ناشی از همین شورش عمومی بود که جعفر بن داود قمی فرار از مصر به قم را یافت)</p>	سیاه

23 . موسوعة الإمام الجواد(ع)، الخزعلي ج2 ص 315 : عبد العظيم بن عبد الله الحسيني: إن أبا جعفر محمد بن علي الرضا عليهما السلام كتب هذه العوذة لابنه أبي الحسن علي بن محمد عليهما السلام، و هو صبي في المهدي، و كان يعوذه بها و يأمر أصحابه به. الحرز: «بسم الله الرحمن الرحيم، لا حول و لا قوة إلا بالله العلي العظيم. اللهم رب الملائكة و الروح، و النبيين و المرسلين، و قاهر من في السموات و الأرضين .....

<ul style="list-style-type: none"> <li>- مرگ عبدالملک بن عبد ماجشون فقیه و مفتی اهل مدینه که شاگرد مالک بن انس بود و به غنا علاقه‌ی زیاد داشت.</li> <li>- عبدالله بن طاهر، از مهمترین سرداران مامون و مقتدرترین امیر طاهری پس از مرگ پدر و برادرش، از سوی مامون به امارت طاهریا در خراسان رسید. پس او مرکز طاهرایان را از مرو به نیشابور منتقل کرد.</li> <li>- پس از شکست قمی‌ها، مامون علی بن هشام را والی استان جبال و آذربایجان و قم و اصفهان و مامور دفع فتنه بابک کرد. ولی او به سیاست‌های خشن و چپاول اموال مردم روی آورد</li> </ul>	
--	--

سال 215 هجری قمری	
<ul style="list-style-type: none"> <li>- سفر دوم امام به عراق (در ماه صفر) پس از رسیدن به سن بلوغ به دستور مأمون جهت انجام مراسم ازدواج با ام فضل؛ امام عازم بغداد شد و از آنجا به قرارگاه مأمون در تکریت رفت. مراسم عقد امام با ام فضل در تکریت برگزار شد. پس از مراسم ازدواج هم مأمون هم مقرری سالیانه دو میلیون درهم برای امام تعیین کرد</li> <li>- نقل کرامت‌های سه گانه برای امام در سفر به تکریت<sup>24</sup></li> <li>- تلاش مامون برای آلوده سازی امام به غنی و موسیقی در مجلس جشن ازدواج توسط مخارق نامی که اوازه خوان و نوازنده او بود و نفرین امام درباره او و فلج شدن دستش برای همیشه</li> <li>- اندکی پس از ازدواج، در واپسین روزهای اقامت امام در بغداد، بر اثر سعایت‌های ام فضل، مامون قصد جان امام را کرده و در خلوت او را با شمشیر مورد حمله قرار می‌دهد. ولی امام جان سالم به در می‌برد. و در تفحص از حقیقت ماجرا، حرز امام جواد</li> </ul>	سفید

<sup>24</sup> . برای این ماجراها ر.ک: راوندی، الخرائج والجرائح، ج2، ص669 و670؛ کلینی، الکافی، ج1، باب مولد ابي جعفر ..، ح6؛ شیخ مفید، الارشاد، ج2، ص291 و292.

<p>(ع) برای مأمون کشف می شود. پس به اصرار مأمون، امام نسخه ای از حرز را برای مأمون می نویسد تا از آن در سفر جنگی قریب الوقوع بر علیه رومی ها استفاده کند.</p> <p>- امام از ماه صفر تا آستانه‌ی مراسم حج نزدیک به یک سال در بغداد مقیم می گردد و در این مدت در خانه‌ی احمد بن یوسف در کنار دجله ساکن با همسر جدیدش ام فضل ساکن است.</p> <p>- تحول و استبصار چندین زیدی در بغداد و تکریت به هنگام سفر امام به عراق.</p> <p>- برنامه‌ی عبادی امام در هنگام اقامت در بغداد (روزه‌ی روزهای خاصی از ماه رجب)، برنامه‌ی ای که بیانگر سبک زندگی امام در برابر سبک زندگی درباری مأمون و دخترش است.</p> <p>- مناظره‌ی یحیی بن اکثم با امام درباره‌ی ادله‌ی افضلیت خلفای اول و دوم بر امام علی (ع) و پاسخ‌های امام جواد (ع).</p> <p>- نامه نگاری علی بن مهزیار با امام در زمانی که امام در بغداد است و پاسخ امام<sup>۲۵</sup></p>	
<p>- تاسیس دارالحکمه در بغداد: مأمون برای خرید کتاب از روم مبالغ زیادی صرف کرد. وی هیأت‌هایی برای گزینش کتابهای علمی قدیمی ذخیره شده در آنجا، اعزام کرد. وی «بیت الحکمه» را در سال 215 هـ تأسیس کرد. بیت الحکمه مرکز علمی مهمی بود که گروهی از مترجمان کتب خارجی را به زبان عربی ترجمه می کردند. «حنین بن اسحاق» در میان این مترجمان برجسته بود. مأمون موفق شد میراث علمی عظیمی را که دانشمندان یونان بر جای گذاشته بودند به جهان اسلام منتقل کند شخصیت‌هایی مثل علان شعوبی، ابوسهل فضل نوبختی، در آن مرکز به فعالیت کرده‌اند. علاوه بر آنها مترجم بزرگ مثل یوحنا ماسویه به ترجمه کتاب‌هایی می پرداخت که هارون بعد از پیروزی بر سپاه بیزانس آنها را به دست آورده بود</p>	خاکستری
<p>- سفر جنگی مأمون برای مواجهه با روم، او پس از فتوحات در این جنگ از انجا به دمشق (و سپس به مصر) سفر کرد.</p>	سیاه

25 . الکشي باسناده، قال: و في كتاب لأبي جعفر عليه السلام إليه ببغداد: قد و صل الي كتابك و فهمت ما ذكرت فيه و قد ملأنتي سرورا فسرك الله، و انا ارجو من الكافي الدافع ان يكفيني كيد كل كائد ان شاء الله تعالى (رجال كشي 460)

سال 216 هجری قمری	
سفید	- فرار دوباره‌ی جعفر بن داود قمی به قم و آغاز آخرین مرحله از قیام قم.
خاکستری	
سیاه	<p>- شدت شورش مصریان (و فرار دوباره جعفر بن داود ناشی از اشفتگی اوضاع مصر در این زمان) تا بدان حد که مامون ناچار شود خود بدانجا لشکر کشیده و به غائله شورش برای همیشه پایان دهد.</p> <p>- مامون پس از سرکوبی شورش های داخلی به مرزهای روم شرقی و شهر هرقله را تصرف کرد و از سردار شورشی بیزانسی بنام توماس صقلابی که بر علیه امپراتور رم توفیل شورش کرده بود حمایت کرد و امپراتور هم در عوض به حمایت از بابک خرمدین پرداخت. و لی در نهایت قدرت و تدبیر مامون غالب آمد و امپراتور تقاضای صلح کرد ولی مامون نپذیرفت.</p> <p>- مرگ اصمعی؛ ادیب و شاعر معروف در بصره.</p> <p>- بازگشت بخاری در این سال به خراسان و نیشابور، البته او به علت فتوهای نادر در نیشابور توان ماندن نیافت پس به بخارا رفت و از بخارا هم توسط ابوحنیفه بخاری عالم بزرگ شهر، بیرون رانده شد.</p> <p>- نامه های ام فضل از مدینه به پدرش مامون در بغداد و رساندن اخبار امام و یا شکوه از تعدد زوجات امام</p>

سال 217 هجری قمری	
سفید	<p>- حضور امام جواد (ع) در مراسم حج با همراهی شیعه خصوصا و کلایش از مناطق مختلف بویژه علی بن مهزیار از اهواز</p> <p>- شکست قمی ها در آخرین قیام و مصالحه‌ی آنها در این سال با لشکریان مامون، بازتاب این مصالحه انتخاب والی‌ای از مردم شهر برای قم و اخراج رهبر شورشیان از شهر بود. این امر منجر به اعدام جعفر بن داود در بغداد شد و پس از آن برای چند دهه (تا اواخر زمان امامت امام هادی در حوال سال های 251 به بعد) آرامش به شهر بازگشت.</p>

<ul style="list-style-type: none"> <li>- رحلت محمد بن ابی عمیر از بزرگان شیعه و یکی از اصحاب اجماع. او در سال های واپسین عمرش تلاش بسیار کرد تا آثار حدیثی نابود شده اش را احیا کند. او به عبادت بسیار مشهور بود و در دوسه دهه پایانی زندگانی اش بزرگ علمی شیعه در بغداد بود.</li> <li>- سفر سوم امام به عراق (بدرخواست مامون و پس از سفر جنگی او با روم و بازگشت از سفر به شام).</li> <li>- امام در آستانه سفر سوم به عراق وصایت و امامت فرزندش علی را اعلان می کند.<sup>۲۶</sup> و در آستانه این سفر اعلان می کند که بر از مامون بر او ترسی نیست (مامون به او ضرری نخواهد رساند) و زمان شهادتش، 30 ماه بعد از مرگ مامون خواهد بود.<sup>۲۷</sup></li> <li>- امام پس از چندی اقامت در بغداد مامون را راضی کرد که به عراق باز گردد پس در آستانه حج از بغداد به کوفه رفت و از آنجا راهی حج گردید و پس از آن به مدینه باز گشت.</li> </ul>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>- رحلت عبید الله بن الحسن بن عبید الله ( قبل 218 هـ ق) ابن العباس بن امیر المؤمنین علی بن ابی طالب؛ او پس از قتل امین نزد طاهر در بغداد رفت و طاهر او را در رأس نمایندگی مردم مدینه به مرو فرستاد. او با مأمون به عراق آمد و مأمون از سال 204 به مدت چند سال او را فرماندار مکه و مدینه و امیر الحاج و سپس والی برخی مناطق یمن قرار داد.</li> <li>- مأمون پس از به قتل رساندن علی بن هشام والی عباسی فاتح قم که به او خیانت کرده بود، علی بن عیسی قمی را والی شهر می کند. او موفق می شود تا جعفر بن داود قمی عامل قیام- های مکرر قم را دستگیر کرده و نزد مأمون بفرستد. با این اقدام که منجر به قتل جعفر می- شود و فرمانروایی او که همراه با سیاست های معتدلانه‌ی در میان قمی ها است، آرامش دوباره به شهر باز می گردد.</li> </ul>	خاکستری
<ul style="list-style-type: none"> <li>- علی بن هشام والی مأمون بر جبال و قم که قیام قمی ها را به شدت قلع و قمع کرده بود، به علت خیانت در اموال، از سوی مأمون دستگیر شد و به همراه پسرش اعدام گردید و خاندانش آواره شده و به فلاکت افتادند.</li> </ul>	سیاه

26 . موسوعة الإمام الجواد(ع)، الخزعلي ج 1 ص 560 : المسعودي رحمه الله: ثم خرج [أبو جعفر] عليه السلام- في السنة التي خرج فيها المأمون إلى «البليدون» ... أشار عليه السلام إلى أبي الحسن عليه السلام، و نصّ عليه، و أوصى إليه

27 . و أخير عليه السلام عن وفاته في أيام المأمون، فقد قال: «الفرج بعد المأمون بثلاثين شهرا» و لم يلبث بعد المأمون بثلاثين شهرا حتى قبض و اختاره الله إلى جواره

سال 218 هجری قمری

<p>- فرار دعبل، شاعر شیعی از بغداد به مصر پس از به خلافت رسیدن معتصم به علت هجوهای که درباره او بود</p> <p>- معتصم که پس از مأمون به خلافت رسید، ناچار شد امام جواد (ع) و محمدبن قاسم علوی را فرابخواند تا نقش ایشان را در فعالیت‌های زیرزمینی بر علیه خلافت مورد بررسی و تحقیق قرار دهد. محمدبن قاسم به مجرد شنیدن تصمیم معتصم از کوفه به خراسان گریخت. اما امام جواد (ع) در مدینه تحت نظر قرار گرفت. ظاهراً در این سال سفری کوتاه به بغداد داشته است و این اولین سفرشان به بغداد در زمان معتصم بوده است، چون امام در این سفر از سلامت جان خود به شیعیان نگران خبر می‌دهد.</p> <p>- حضور امام در سفر حج (در سال اول خلافت معتصم)</p> <p>- شخصی از اهل سیستان از بنی حنیفه می‌گوید: من در اول خلافت معتصم هم‌سفر امام در سفر حج بودم. پس سر سفره نشسته بودیم و گروهی نیز از مأمورین سلطان هم بودند. عرض کردم آقا فدایت شوم فرماندار شهر ما از ارادتمندان به شما است و من در دفتر مالیاتی او مقروضم. اگر صلاح بدانی نامه‌ای بنویسی که به‌من کمک کند... وارد سیستان که شدم حسین‌بن عبدالله نیشابوری که والی و فرماندار بود و قبلاً از جریان نامه اطلاع حاصل کرده بود، دو فرسخ به استقبال من آمد. نامه را به او دادم. نامه را بوسید و روی چشم گذاشت و گفت چه حاجت داری؟ و حاجت مرا بیش از انتظارم برآورده ساخت.</p>	<p>سفید</p>
	<p>خاکستری</p>
<p>- دستورالعمل رسمی مأمون برای پرسش‌گری از علما درباره‌ی خلق قران و سخت‌گیری بر محدثین مخالفت با این فرمان، منجر به زندانی شدن برخی محدثین عامه، شد.<sup>28</sup></p>	<p>سیاه</p>

28. در سال 218 ه. ق مأمون نامه‌ای به اسحاق بن ابراهیم در بغداد می‌نویسد و به وی دستور می‌دهد که قضات و محدثان و شهود را در مسئله خلق قرآن بیازماید و هفت نفر از آن‌ها، یعنی محمدبن سعد کاتب و اقدی، ابومسلم مستملی، یحیی بن معین، زهیر بن حرب، اسماعیل بن داود، اسماعیل بن ابی مسعود و احمد بن دورقی را نزد او بفرستد تا خود آن‌ها را امتحان کند. این افراد نزد مأمون فرستاده شدند و آن‌ها را تحت بازجویی قرار داد و پس از اقرار به خلق قرآن، آن‌ها را به بغداد برگرداند. پس از بازگشت به بغداد، اسحاق بن ابراهیم نیز در حضور بزرگانی از فقها و اهل حدیث از آنان بازجویی کرد و پس از اقرار و اعتراف آن‌ها را آزاد ساخت. مأمون سپس نامه دیگری به اسحاق بن ابراهیم فرستاد و دستور داد قضات و فقیهان و شهود را امتحان کند. در پی این نامه، اسحاق بن ابراهیم شماری را احضار کرد و پس از این که نامه مأمون را در مرتبه برایشان خواند، از همه آن‌ها جداگانه در این زمینه بازجویی کرد و پاسخ هر کدام را ثبت کرد و برای مأمون که نتیجه امتحان را خواستار شده بود، فرستاد. این افراد به مدت نه روز در بازداشت ماندند تا نامه مأمون به اسحاق بن ابراهیم برسد. مأمون در نامه اش به اسحاق می‌گوید: هر کدام از این‌ها از عقیده شریک خود برنگشت، نزد من بفرست تا خود او را بازجویی کنم و در صورت اصرار، آن‌ها را با شمشیر به پذیرش وادار کنم. این جا بود که آن جماعت، قول به خلق قرآن را پذیرفتند و عده اندکی مانند احمد بن حنبل، محمد بن نوح که بر اعتقاد خود اصرار ورزیدند، به غل و زنجیر کشیده شدند و به طرسوس روانه شدند، ولی هنوز به طرسوس نرسیده بودند که خبر وفات مأمون رسید و آن‌ها به دستور والی رقه به بغداد برگشتند و پس از مدتی به دستور اسحاق بن ابراهیم در خانه‌های خود محبوس ماندند و سپس آزاد شدند. بعدها نیز احمدبن حنبل بارها مورد شکنجه و آزار قرار گرفت و در غل و زنجیر بود و بسیار تهدید به مرگ شد.

- دستور العمل مامون برای تفتیش عقاید از علما و مردم در زمینه نظریه مخلوق بودن قران، دستوری که به عده ای خاص و منطقه خاصی اختصاص نداشت، بلکه اکثر والیان و کارگزاران در سراسر مملکت اسلامی این برنامه را به اجرا گذاشتند و هیچ کدام از فقیهان و قضات و محدثان و شهود نتوانستند از این جریان در امان بمانند؛ حتی احمد بن ابی دؤاد معتزلی در نظر داشت که بازاریان و مردم را هم در این زمینه مورد تفتیش قرار دهد ولی عمر خلافت مامون کفاف نداد.
- مرگ مأمون در شهر طرسوس در مرزهای روم در ماه رجب این سال و خلافت معتصم بردارش به جای او
- معتصم از آغاز خلافتش به دنبال اخبار امام جواد (ع) بود و به دنبال فرصتی بود تا امام را به بغداد احضار کند.
- معتصم در این سال به علت به خدمت گرفتن فراوان سربازان ترک و اعتراض اهالی بغداد به خشونت و بی نظمی آنان، دستور ساختن سامرا به عنوان پایتخت جدید عباسیان در آینده نزدیک را داد. (معتصم پس از به شهادت رساندن امام جواد (ع) در سال 221 ق، رسماً پایتخت را به سامرا انتقال داد).
- معتصم اولین نفر از خلفای بنی عباس بود که به اسمش کلمه الله افزود و خود را به عنوان معتصم بالله معرفی کرد
- معتصم یحیی بن اکثم را از قضا برکنار کرد و احمد بن ابی دؤاد (از معتزله بصری و ناصبی مسلک) را جایگزین او در منصب قاضی القضاات و مشاور امور دینی خود کرد.
- در این سال جمع بسیاری از مردم جبال از شهرهای اصفهان تا همدان به دین خرمیه و جرگه‌ی یاران بابک خرم‌دین در آمدند و شهر همدان را اشغال کردند. پس خلیفه لشکری گران به نبرد آنان فرستاد و 60 هزار از آنان کشته شده و مابقی به روم گریختند.
- مرگ بشر بن غیاث مریسی از علمای رأی و اعتزال و آشنا به فلسفه و از بانیان نظریه‌ی خلق قران.
- مرگ ابراهیم بن اسماعیل معروف به «ابن علیّه» از فقهای اهل رأی و از قائلین به خلق قران که مناظرات متعددی با شافعی در بغداد و مصر داشت.

<p>- معتصم گروهی را برای احضار امام و محمد بن قاسم علوی (که تحرکاتی را از مراسم حج سال گذشته برای قیام در خراسان آغاز کرده بود) به مدینه فرستاد. پس محمد بن قاسم فرار کرد و به خراسان رفت. ولی امام از آنها اجازه گرفت که پس از مراسم حج به عراق بروند و همراه فرزندش به مکه رفت و در این سفر مسئله‌ی جانشینی او را مستحکم ساخت. امام پس از بازگشت به مدینه، به سرعت آماده‌ی سفر به عراق شد. سفری که اعلان فرمود از آن بازگشتی نیست. بدین جهت مواریث خود را به امام هادی (ع) سپرد.</p> <p>- امام در آستانه آخرین سفرش به بغداد به صورت مستقیم برای آنان که در مدینه بودند<sup>29</sup> و یا از طریق پیک برای برخی از اصحابش که از مدینه فاصله داشتند<sup>30</sup> بر وصایت و امامت فرزندش علی بن محمد هادی تاکید می نماید. و در ضمن اشاره می کند که عبدالله بن مساور متولی اموال و ماترک ایشان است<sup>31</sup> تا زمانی که فرزندش به بلوغ برسد.<sup>32</sup></p> <p>- دیدار محمد بن سنان با امام و خبر دادن امام از سفر قریب الوقوعش به عراق و تاکید بر امامت فرزندش امام هادی (ع)</p> <p>- رحلت عبد الله بن جبلة از محدثین شیعه.</p> <p>- رحلت فضل بن دُکین کوفی (130-219 ه ق)؛ او به بغداد آمد و به روایت حدیث پرداخت. او از روات حدیث غدیر است. او استاد بسیاری از علمای عامه از جمله ابن- حنبل و بخاری و مسلم بود و اگرچه با عامه حشر و نشر داشت ولی به تشیع مشهور بود. او در آخر عمر بر اثر ضربتی که به او وارد شد به شهادت رسید</p>	<p>سفید</p>
<p>- قیام محمد بن قاسم علوی زیدی، صوفی فقیه و متمایل به معتزله. قیام او در جوزجان و طالقان خراسان بود. او دعوت به الرضا من آل محمد کرد و جمع بسیاری او را همراهی کردند ولی در جنگ با لشکر طاهریان و عباسیان شکست خورد و اسیر شد و به سامرا منتقل شد. ولی در آنجا در روز عیدی از زندان گریخت و متواری شد و دیگر خبری از او یافت نشد. پس عده‌ای از زیدیه به مهدویت و غیبت او معتقد شدند</p>	<p>خاکستری</p>

29 . همانند اسماعیل بن مهران، محمد بن اسماعیل بن بزیع و صقر بن ابی دلف و محمد بن عثمان کوفی، علی بن مهزیار و امیه بن علی قیسی

30 . همانند محمد بن حسین واسطی

31 . توضیح- اینکه در وصیت قید میکند امام علیه السلام پس از بلوغ متصدی اموال و ثروت آن جناب شود ممکن است بواسطه نقیه از مخالفین چنین قیدی را نموده باشد و کار را قبل از بلوغ بعد از الله بن مساور سپارد تا قاضی‌های عامه و دستگاه خلافت نتوانند ایرادی بگیرند بر مسئله اموال امام و به مصادره آن بپردازند. (مجلسی، بحار الانوار)

32 . موسوعة الإمام الجواد (ع)، الخزعلي ج 1 559

<p>- سیاه</p> <p>- فضل بن مروان از وزارت معتصم برکنار شد و عبدالملک زیات به وزارت رسید پس معتصم از او خواست که امام جواد را به بغداد احضار کند.</p> <p>- سیاست جنگی فراگیر معتصم در سرکوبی شورش های کهنه و دشوار خلافت عباسی خصوصا دو شورش هندی تبارهای زطی در بصره (کولی ها) و تشدید عملیات جنگی بر علیه بابک خرمیه و شکست دادن پیایی او و شکست دادن قیام زیدی ها در خراسان و شروع به نقشه کشی در برابر امام جواد (ع)</p> <p>- مرگ عبد الله بن زبیر حمیدی، از برجسته ترین محدثین و فقهای عامه در مکه. او مهم ترین استاد بخاری صاحب صحیح بخاری در حدیث بود. او از مخالفین ابوحنیفه و شاگرد شافعی بود و با شافعی به مصر رفت و قصد داشت پس از شافعی جای او را در مصر بگیرد. ولی شاگرد دیگر شافعی بر او پیشی گرفت. پس او ناکام به مکه بازگشت و پرچمدار حدیث در حجاز و مکه شد.</p> <p>- تازیانه خوردن احمد ابن حنبل در زندان معتصم در ادامه ی ماجرای خلق قران</p> <p>- سرکوبی شورش زطی های<sup>۳۳</sup> هندی در بصره پس از سال ها شرارت افکنی و تبعید آنها به آسیای صغیر.</p> <p>- مرگ ابوالحسن ریحانی کاتب از خواص مامون و از اولین کسانی که به فلسفه پرداخت و از سوی عامه متهم به زندیق بودن شد.</p> <p>- تشدید سختگیری بر علمای حدیث در ماجرای خلق قران (ادامه سیاست های فرهنگی مامون که توسط معتصم ادامه یافت) و فزونی یافتن علمای زندانی عامه در این زمینه (از بغداد و مصر و شام و ...)</p>	
--	--

سال 220 هجری قمری	
<p>- سفید</p> <p>- ورود امام به بغداد پس از انجام سفر حج، ایشان بیست و هشتم محرم سال 220 هجری وارد بغداد شدند.</p>	

33. زطی ها مردمی بودند که از هندوستان به بصره و اطراف آن مهاجرت کرده بودند. جمعین مردانشان در حدود 25 هزار و با خانواده ها در حدود 70 هزار نفر بودند. آنان در بصره در محرومیت زندگی می کردند. بدین جهت سر به شورش برداشتند و بیشتر به غارت گری در حومه شهر پرداخته و راه را بر کاروان های تجاری و یا دولتی می بستند و به چپاول آنها می پرداختند. آنها بعدها در تاریخ با عنوان کولی شناخته شدند.

<ul style="list-style-type: none"> <li>- امام در اوائل این سال به برخی از وکلایش (از جمله محمد بن فرج و علی بن مهزیار) نامه نوشت که خمس های موجود نزد خود را تنها امسال به من برسانید. چرا که این آخرین سالی است که من از شما خمس دریافت می کنم.</li> <li>- امام در این سال در نامه ای از بغداد به علی ابن مهزیار (در خوزستان) در مسئله ی خمس بر شیعه تخفیف داد و آن را منحصر به طلا و نقره نمود؛ و دلیل آن را ظلمی دانست که در این سال از حکومت متوجه اموال شیعیان شد و بر زندگی اقتصادی آنان سخت گرفته شد.</li> <li>- علی بن مهزیار در مدتی که امام در بغداد است به امام نامه ای درباره مشکلات شخصی خود در زمینه مزاحمت دشمنان نوشته و امام پاسخش را داد و از او تمجید نمود.</li> <li>- امام هنگامی که در بغداد بود پیوسته از طریق پیک با مدینه در تماس بود و به ویژه برای وصایت فرزندش پیوسته قاصد به مدینه می فرستاد.</li> <li>- برخی از شیعیان امام در ایران در این سال در جنگ ها بر علیه خرمیه (پیروان بابک) شرکت کردند و غنائم بسیاری نصیب آنها شد پس خمس اش را نزد امام فرستادند.</li> <li>- رحلت محمد بن سنان از یاران برجسته ی امام که به نوعی متهم به پرچمداری جریان غلو در حدیث در این زمان بود.</li> <li>- دیدار ابوطالب قمی (عبدالله بن صلت قمی) با امام جواد (ع) در بغداد در اواخر عمرش و رحمت فرستادن امام بر یاران رحلت کرده اش، زکریا بن آدم و صفوان بن یحیی و سعد بن سعد قمی و محمد بن سنان. در این دیدار بود که ابوطالب قمی از امام اجازه مرثیه سرائی برای امام رضا (ع) طلبید و امام جواد (ع) فرمود برای پدرم و برای من (هر دو) مرثیه سرائی نما</li> <li>- سفر احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی به عراق و حضورش در زمانه شهادت امام جواد (ع) در بغداد. به گونه ای که او در جلسه ای که بلافاصله پس از شهادت امام جواد (ع) در منزل محمد بن فرج رخجی بغدادی وکیل امام در بغدا تشکیل شد، همراه خیران خادم حاضر شده و به وصیت امام جواد (ع) مبنی بر امامت فرزندش امام هادی (ع) گواهی داد و بزرگان شیعه حاضر در جلسه هم گواهی آنان را پذیرفتند.</li> </ul>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>- رحلت قالون قاری مشهور در حجاز بعد از عمر بسیار و در زمانی که مورد توجه عامه بود.</li> <li>- رحلت عمرو بن حماد کوفی از محدثین عامه که دارای گرایش های شیعی شمرده می شد چون به علت تبری جوئی از خلیفه سوم شناخته می شد.</li> </ul>	<p>خاکستری</p>

- پس از ورود امام به بغداد، معتصم امام را پیش عمر بن فرج رُحَّجی اسکان می دهد.<sup>۳۴</sup> او از نواصبی است که با امام دشمنی بسیار دارد و گاه به امام جسارت کرده و تهمت مستی به امام می زند<sup>۳۵</sup> و در مرتبه ای به قصد اهانت، دانش غیبی امام را به سخره می گیرد.<sup>۳۶</sup> و گاه هم در توطئه مسموم نمودن امام توسط غذا مشارکت دارد که ناکام می ماند.<sup>۳۷</sup>
- معتصم در اولین دیدار با امام شهادتنامه‌ای با کمک وزرایش تهیه دید مبنی بر این که امام مشغول توطئه بر علیه حکومت است. ولی در جلسه‌ی دربار امام ضمن رد اتهام‌ها، شهود را نفرین کرد و معجزه نشان داد؛ به گونه‌ای که معتصم وحشت کرد و امام را تبرئه نموده و مرخص کرد. پس امام موقتا از نقشه‌ی شهادت نجات یافت و به دستور معتصم در بغداد مقیم شد.
- در مرتبه‌ای دیگر معتصم نقشه‌ای دیگر کشید تا امام را پیش روی مردم مست نشان دهد، ولی این نقشه هم در میانه‌ی کار توسط مشاورینش با مخالفت روبه‌رو شد و لغو گردید.
- در زمانی که که امام جواد (ع) در بغداد است فضای ضد علوی در بغداد حاکم شده و گاه فردی از شیعه یا اطرافیان امام مورد آزار قرار می گیرند. در این زمان تقیه برای شیعه شدیدتر می گردد.<sup>۳۸</sup>

34. عمر و محمد فرزندان فرج بودند. و فرج از اطرافیان آل یقطین بود که در دربار عباسیان مشغول خدمت بود ولی همانند علی بن یقطین دارای گرایش های شیعی بود. پس از این پسرش یک شیعی خالص و از وکلای امام جواد (ع) و هادی (ع) گردید که همان محمد بن فرج بود. و در برابر عمر بن فرج از نواصب متعصب و کینه توز نسبت به خط امامت بود. او در دوران معتصم به علت خوش خدمتی در اذیت و آزار امام جواد (ع) رشد سیاسی یافت به گونه ای که پس از شهادت امام جواد (ع) با حکم مراقبت و کنترل امام هادی (ع) راهی مدینه شد و در زمان متوکل هم جزو ندیمان خاص او گردید و مدتی هم از سوی او والی حجاز شد و در آن زمان بر بنی هاشم و امام هادی (ع) بسیار سخت گرفت. (تاریخ

الاسلام، ذهبی، ج 17 ص 274)

35. محمد بن سنن می گوید: روزی به محضر امام هادی علیه السلام وارد شدم، آن حضرت تا نگاهش به من افتاد، پرسید: آیا در خاندان (آل فرج) حادثه ای رخ داده است؟ عرض کردم، مولای من! عمر بن فرج از دنیا رفت. امام علیه السلام فرمود: الحمدلله! سپاس خدای را! و این جمله را 24 بار تکرار فرمود. من از این کار امام علیه السلام تعجب کرده و عرض کردم: ای مولای من! اگر می دانستم از شنیدن این خبر این اندازه خوشحال می شوید، با پای برهنه به زیارتتان می شتافتم تا شما را آگاه سازم. امام علیه السلام فرمود: مگر نمی دانی آن ملعون به پدرم امام جواد علیه السلام چه جسارتی کرده است؟ عرض کردم: خیر. فرمود: روزی آن ملعون با پدرم مواجه شد و با حالت جسارت به آن حضرت خطاب کرده و گفت: گمان می کنم شما مست باشید. پدرم با شنیدن این سخن جسارت آمیز متأثر شده و به درگاه خداوند پناه برده و عرض کرد: بار خدایا! تو می دانی که من همه ی روز روزه دار بوده، و اکنون اینگونه مورد تهمت و افترا قرار می گیرم، پس به تو پناه می برم؛ خداوندا! طعم سرتقت اموال و اسارت را به او بچشان. (اصول کافی، ج 1، ص 496)

36. عمر بن فرج در آن موقعی که با امام جواد علیه السلام لب دریا نشسته بود به آن حضرت عرض کرد: شیعیان تو ادعا میکنند که شما کیل دریا را میدانید؟! فرمود: آیا خدا قدرت دارد که این علم را به یک پشه عطا کند یا نه! گفت: آری، فرمود: من که از یک پشه پیش خدا گرامی‌ترم! (بحار ج 50 ص 100)

37. موسوعة الإمام الجواد(ع)، الخزعلي ج 1 ص 309: عمر بن الفرج، أنه قال: سمعت من أبي جعفر عليه السلام شينا، لو رآه محمد أخي لكفر. فقلت: و ما هو أصلحك الله؟ قال: إني كنت معه يوما بالمدينة إذ قرب الطعام. فقال: أمسكوا. فقلت: فذاك أبي، قد جاءكم الغيب؟! فقال: علي بالخيزان. فجيء به فعاتبه، و قال: من أمرك أن تسمني في هذا الطعام؟ فقال له: جعلت فداك! فلان. ثم أمر بالطعام، فرفع، و أتى بغيره

38. موسوعة الإمام الجواد(ع)، الخزعلي ج 1 ص 479: الإمام الحسن العسكري عليه السلام: قال: و قال رجل لمحمد بن علي عليهما السلام: يا ابن رسول الله! مررت اليوم، بالكرخ، فقالوا: هذا نديم محمد بن علي إمام الرافضة، فاسألوه من خير الناس بعد رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم؟ فإن قال علي: فاقتلوه، و إن قال أبو بكر: فدعوه. فأنثال علي منهم خلق عظيم، و قالوا لي: من خير الناس بعد رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم؟ فقلت مجيبا لهم: خير الناس بعد رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم أبو بكر و عمرو عثمان و سكت و لم أذكر عليا.

- جلسه فقهی بررسی حکم قطع دست دزد و رسوایی علمای عامه به ویژه احمد بن ابی دواد، و شکل گیری هسته نهایی تیم ترور حضرت از خلیفه و قاضی و فرزندان مامون
- به شهادت رسیدن امام جواد (ع) در پایان ماه ذیقعده پس از تحمل 10 ماه زندگی در حصر و مشقت

### رویدادهای پراکنده و نامتعیین در این سال ها:

رویدادهای پراکنده در این سال ها
<ul style="list-style-type: none"> <li>- رحلت زکریا بن آدم بن عبد الله بن سعد الاشعری (پیش از سال 220 ه)؛ او برجسته ترین شخصیت علمی شیعه در قم و از خواص اصحاب امام رضا (ع) و امام جواد (ع) است.</li> <li>- رحلت شاذان بن خلیل ازدی، نیشابوری (پیش از سال 220 ه)؛ پدر فضل بن شاذان (فضل از علمای بزرگ شیعه و از شاگردان امام هادی (ع) و امام عسکری (ع) بود). شاذان از علمای شیعه و از شاگردان خط فکری یونس بن عبدالرحمان و ساکن عراق بود.</li> <li>- رحلت محمد بن اسماعیل ابن بزیع، أبو جعفر کوفی (پیش از سال 220 ه)؛ از علمای بزرگ شیعه که لباسی از امام جواد (ع) به عنوان کفن گرفت. او از وزرای عباسیان بود.</li> <li>- رحلت عبدالرحمن بن ابی نجران (پیش از سال 220 ه) از محدثین برجسته شیعه.</li> <li>- رحلت علی بن حکم (پیش از سال 220 ه) از محدثین بزرگ شیعه در این زمان.</li> <li>- رحلت موسی بن قاسم بن معاویه بن وهب بَجَلی، از فقهای کوفی.</li> <li>- رحلت یحیی بن مبارک (پیش از سال 220 ه).</li> </ul>
<ul style="list-style-type: none"> <li>- ملاقات یحیی بن اکثم در اواخر خلافت مامون (احتمالا پس از عزل منصب قاضی القضاة و یا در زمان انتصاب به قضاوت بصره) در حج با امام و ...<sup>39</sup></li> </ul>

فقال بعضهم: قد زاد علينا، نحن نقول هاهنا: و علي! فقلت لهم: في هذا نظر، لا أقول هذا. فقالوا بينهم: إن هذا أشد تعصبا للسنّة منّا، قد غلطنا عليه. و نجوت بهذا منهم، فهل عليّ يا ابن رسول الله؟ في هذا حرج؟ و إنّما أردت أخير [الناس]؟ أي أ هو خير؟- استفهاما لا إخبارا-. فقال محمد بن علي عليهما السلام: قد شكر الله لك بجوابك هذا، و كتب لك أجره و أثبتة لك في الكتاب الحكيم، و أوجب لك بكلّ حرف من حروف ألفاظك بجوابك هذا لهم ما يعجز عنه أمانى المتمتّين، و لا يبلغه آمال الأملين<sup>39</sup>. يحيى بن اكنم خود شاهد کرامت امام بود! از خود او نقل شده: یکبار که مشغول طواف برگرد قبر پیامبر بودم محمد بن علي الرضا را دیدم که او هم مشغول طواف بود. چند مسئله از او پرسیدم و پاسخ را داد. گفتیم: می-خواهم از نکته-ای جويا شوم که خجالت می-کشم!! گفت: من خودم برایت می-گویم! می-خواهی از امام جويا شوی! گفتیم: آری. گفت: من هستم. گفتیم: نشانه-ای هم داری؟ ناگهان عصایی که در دستش بود به صدا درآمد: صاحب من امام این روزگار و حجت الهی است. (کلینی، الکافی، ج1، ص353، ح9)

## مهمترین مسائل دوران امامت:

1. جستجو از نشانه های امامت:

درباره امامت در کودکی در مباحث پیشین اشاره شد، در بستر جدول گاه شماری پس از امامت، نکته ای دیگر که باید مورد توجه قرار گیرد، مسئله آزمایش ایمان شیعیان و فرایند تحقق ثبات ایمانی است. در حقیقت جامعه شیعه در مسئله امامت در کودکی، نسبت به سه حوزه امام شناسی و امام باوری و امام یاوری مورد سختترین آزمایش و امتحان قرار می گیرد. البته در بستر تاریخی کلام شیعی پیش زمینه های معرفتی این ازمون از جهت معرفتی از قبل آماده شده و در این مرحله، زمان سنجش باور و ایمان پیروان است. و در این مسیر. البته ابزارهایی برای آزمایش و سنجش در اختیار شیعه گذاشته شده بود. در همان احادیث کلامی، برای شیعیان نشانه های امام شناسی چنین معرفی شده بود:

- مشاهده پاکی و کمال امام (اصل عصمت)
- مشاهده و آزمایش و یا اطلاع یابی از توانمندی های ماورائی امام (معجزه و علم غیب)
- نص امام پیشین در کنار عدم اثبات و دوام مدعی جامع الشرایط.
- به نمایش گذاشتن دانش بی کران امام (در موضوع های گوناگون و به ویژه در معارف دینی) بویژه در مناظره های علمی.
- وجود ادله و شواهد نقلی (در قرآن) و پیشینه یابی تاریخی در تاریخ پیامبران (تشبیه به داستان پیامبران و ...).
- وجود مبانی (عقلانی) تحلیلی کلامی و انسان شناختی

در مقایسه ی بین این روش ها، بدیهی است که برای مخاطب های گوناگون، برخی از روش ها کاربردهای بیشتری داشته باشد. برای مخاطب معتقد به تشیع در زمان رخداد حادثه، بهترین روش، روش آزمایش توانمندی های ماورائی مدعی امامت است. و برای مخاطب مسلمان غیر شیعه ای به علت آشنایی او با فرهنگ دینی/قرآنی، روش پیشینه یابی قرآنی/تاریخی است. البته برای این گروه گاه هم معجزه کارایی دارد.<sup>40</sup> اگرچه در برابر خواص

40. البته این کارائی محدود است، چرا که در برابر قابلیت های ماورائی معصومین همواره اتهام سحر و جادو توسط مخالفین وجود داشته است. همان گونه که ام فضل چندین مرتبه در برابر معجزات امام جواد (ع) ایشان رابه سحر و جادو نسبت می دهد.

علمی و فرهنگی عامه، روشی که بیشترین کارایی را دارد نمایش دانش بی‌کران امام می‌باشد. یعنی همان تصویری که امام در متن مناظره‌ها از خود در دربار عباسی پیش روی مأمون و علمای درباری نشان می‌دهد.

## 2. مسئله تقیه در آغاز امامت:

از نکات دیگر در این دوره، امکان دیدار و ارتباط شیعیان و خصوصاً خواص شیعه با امام آسان‌تر و گسترده‌تر می‌باشد. امری که خود به‌نوعی ناشی از همین مسئله‌ی کودکی امام است. در این زمینه اگرچه گزارش‌هایی از تقیه‌ی شدید امام در سه سال اول امامتش وجود دارد، ولی در یک مقایسه‌ی کلی این دوران با زمانه‌ی امامت امام رضا (ع) (در زمان خلافت هارون) و دوران امامت امام هادی (ع) (در دوره‌ی خلافت متوکل و تبعید آن حضرت به سامرا) شاهد هستیم که امام جواد (ع) در مدینه و حتی به هنگام سفر به بغداد دارای نوعی آزادی نسبی است (امری که در آغاز ناشی از حضور در خراسان و در مرتبه بعد ناشی از اخبار غیبی هشدار دهنده امام رضا (ع) به مأمون است). البته در این دوران امام، امکان راه‌اندازی مدارس و کلاس‌های علمی منسجم را ندارد ولی به مدیریت خواص یاران و روزآمد سازی سازمان وکالت می‌پردازد.

## 3. فرصت شناسی امام از حضور نسبتاً آزاد امام در بغداد:

در ضمن سفر به بغداد ضمن این که امام در پوشش تقیه زمینه ارتباط راحت‌تر با برخی از اصحاب را داشته و به رفع مشکلات آنها می‌پرداخته، فعالیت‌های ارشادی و یا اجتماعی دیگر هم داشته که گزارش برخی موارد ثبت شده در تاریخ چنین است:

- هدایت و ارشاد برخی زیدی‌ها به مذهب حق<sup>۴۱</sup>
- زدودن شبهه از ذهن آنان که تصور می‌کردند دامادی مأمون و اقامت در بغداد مطلوب امام است<sup>۴۲</sup>

41. قاسم بن عبد الرحمن که زیدی مذهب بود گفت: وارد بغداد شدم در همان ایام توقف در بغداد روزی دیدم مردم ازدحامی کرده‌اند می‌روند و می‌آیند خود را به بلندپه‌ها می‌رسانند و می‌ایستند. گفتم چه خبر است؟! گفتند ابن‌الرضا ابن‌الرضا است. با خود تصمیم گرفتم که ایشان را ببینم ناگهان دیدم سوار بر قاطری است می‌آید. گفتم خدا لعنت کند معتقدین بامامت را که اطاعت چنین شخصی را خدا بر ما واجب نموده در این موقع دیدم صورت بجانب من نموده فرمود: قاسم بن عبد الرحمن! أَ بَشْرًا مِّنَّا وَاجِدًا نَنْبِغُهُ إِنَّا إِذَا لَوْي ضَلَالٍ وَ سُغْرٍ «1». با خود گفتم: عجب ساحری است بخدا باز متوجه من شده فرمود: أَلْقِي الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشْرٌ «2». از آنجا برگشتم و معتقد بامامت شدم و یقین کردم او حجت خدا و امام بر مردم است و ایمان آوردم.

42. خرایج- محمد بن اورمه از حسین مکاری نقل کرد که گفت در بغداد خدمت حضرت جواد رسیدیم دیدم آنجا اقامت کرده در دل با خود گفتم این مرد بوطن خود هرگز بر نمی‌گردد با این خوراکی که اینجا دارد. دیدم امام علیه‌السلام سر بزیر انداخت بعد سر برداشت رنگش زرد شده بود فرمود حسین! تکه‌ی نانی جوین و مقداری نمک سابیده در کنار قبر جدم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای من خیلی بهتر است از این وضعی که مشاهده می‌کنی.

- سیره عبادی امام در بغداد برای خود و تمامی همراهان و خادمانش<sup>43</sup>
- امکان دیدار راحت تر شیعیان مناطق دیگر با امام<sup>44</sup>

4. نقش نامه نگاری و مکاتبه در مدیریت غیر مستقیم جامعه شیعه:

در این زمان دوگانه اقتدار خلافت و کودکی امام، در کنار گستردگی جامعه شیعه، باعث شد که امام جواد (ع) ارتباط با کمک نامه نگاری را فزونی دهد و از این ابزار ارتباطی به صورت گسترده و فعال استفاده نماید. گزارشی تحقیقی از نامه نگاری های امام در فصل بعد ارائه می گردد.

5. مسئله مرگ آگاهی بزرگان شیعه:

دوران امام جواد (ع)، دوران زندگی آخرین نسل از اصحاب امام صادق (ع) و حتی امام کاظم (ع) است. (افرادی چون: یحیی بن حبیب و ابوعبیده حذاء و عمرو بن حجاج و....) از این رو شاهد رحلت بزرگانی از شیعه در آن دوران هستیم. که در این زمینه نکاتی شایسته توجه است:

- مسئله مرگ آگاهی بیشتر آن بزرگان و استقبال آگاهانه از مرگ
- سفر عده ای از این بزرگان به مدینه و رحلت در آنجا همانند صفوان بن یحیی و یونس بن عبدالرحمن و حماد بن عیسی. این میل و گرایش ناشی از روایتی از امام صادق (ع) است که «هر کسی که در مدینه از دنیا رود، خداوند در قیامت وی را جزو آمین مبعوث فرماید»<sup>45</sup>

جدول ایده یابی	
ایده های برنامه ای/تبلیغی	خاستگاه ایده
امامت پژوهی بر مبنای دانش محوری ماورائی، تجربه ای تکرار شونده و نهادینه شده در جامعه شیعه در برابر نظام خلافتی که بر وراثت و یا قدرت محوری یا انتخاب زورمداران است	نشانه های امامت

43. موسوعة الإمام الجواد(ع)، الخزعلي ج2 ص 286 : الریان بن الصلت، قال: صام أبو جعفر الثاني عليه السلام لما كان ببغداد يوم النصف من رجب، و يوم سبع و عشرين منه، و صام جميع حشمه؛ و أمرنا أن نصلّي الصلاة التي هي اثنتا عشرة ركعة: يقرأ في كل ركعة بالحمد و سورة، فإذا فرغت قرأت «الْحَمْدُ» أربعاء، و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» أربعاء، و «المعوذتين» أربعاء، و قلت: «لا إله إلا الله، و الله أكبر، و سبحان الله، و لا حول و لا قوة إلا بالله، لا إله إلا الله، و الله أكبر، و سبحان الله، و لا حول و لا قوة إلا بالله العلي العظيم» أربعاء؛ «الله، الله ربّي لا أشرك به شيئاً» أربعاء، «لا أشرك برّبّي أحداً» أربعاء

44. موسوعة الإمام الجواد(ع)، الخزعلي ج 1 ص 306 : يحيى بن أبي عمران، قال: إن موسى ابن جعفر الداري، قال: وردنا جماعة من أهل الرّي إلى بغداد نريد أبا جعفر عليه السلام، فدللنا عليه،

45. تنقيح المقال ج2 رقم 6356

<p>مقایسه تاریخی نبوت در کودکی و یا ولادت های مخفیانه خط نبوت با این رویدادها در خط امامت، از جهت اثباتگری های کلامی و جهت جریان شناسی پیچیده تاریخی، مواجهه حق و باطل و از جهت جایگاه قرار گیری ولادت های مخفیانه یا دشوار برای بیشتر پیامبران اولوالعزم و اکثر آخرین امامان خط امامت شیعه (و اثبات درون دینی تشیع از این مقایسه تاریخی جالب)<sup>46</sup></p>	<p>کودکی تاریخی اولیای حق</p>
<p>- روند رشد کلام عقلانی شیعی در برابر سقوط بیشتر نگرش کلام سنی در حدیث گرایی، ظاهر گرایی و عقل گریزی</p> <p>- مقایسه زیبایی درک محضر کودکی محمد نام و محمد سیرت و وارث دانش و مقام پیامبر برای خواص و عموم شیعه با خلیفه ی مدعی زیرکی و دانش وارداتی (فلسفه و دانش ترجمه محور) که رودرروی خواص و علمای جامعه اسلامی است.</p>	<p>مقایسه مواجهه تشیع با مسئله امامت در کودکی با مواجهه عامه با تلاش های فرهنگی مامون</p>
<p>- نقش مناظرات در طول زندگانی امام جواد (ع) از جهت به نمایش گذاشتن دانش بیکران امام و اثبات حقانیت آن حضرت در برابر دوست و دشمن</p> <p>- سیر و فرایند مناظره های امام در طول دوران امامت (با تمرکز بر سیر مناظرات حضرت در دربار عباسی)</p>	<p>مناظرات امام جواد (ع)</p>
<p>ابزارهای مدیریت جامعه شیعه در شرایط تقیه، بر سه گانه سازمان و کالت و سفر حج و نامه نگاری استوار است.</p>	<p>مدیریت و رهبری امام</p>
<p>تقیه ورزی امام در فعالیت اجتماعی و تلاش برای ایجاد فضایی آسان تر برای ملاقات های شیعیان</p>	<p>زندگی در صریا</p>
<p>حضور های تاریخی امام در بغداد، دومین حضور امامان (پس از امام کاظم(ع)) و آزادانه ترین حضور امامان در دوره عباسی در بیرون مدینه و فرصت سازی های اجتماعی آن برای امام</p>	<p>امام در بغداد</p>
<p>روند مواجهه مامون زیرکترین خلیفه عباسی با امام جواد(ع) از مواجهه تحقیرانه (اولین مواجهه در بغداد)، تا مواجهه نیازمندان (حرز)</p>	<p>مواجهه مامون با امام جواد(ع)</p>
<p>مناظره های امام جواد(ع) از جهت تعداد چندان زیاد نیست و دلیل آن سرعت و قاطعیت نتیجه در فرایند مناظره از جهت اقناع مخاطب (خواص جامعه شیعه) و یا الزام خصم (مامون و علمای درباری) و یا رسوایی سریع آنان (علمای دربار معتصم) است.</p>	<p>مناظره های امام جواد(ع)</p>

46 . در میان 5 پیامبر اولوالعزم، تنها حضرت نوح کودکی با ارامشی داشته است. ولی ولادت ابراهیم و موسی و عیسی و حضرت رسول در اختفا و یا یتیمی و یا شرایط خاص بوده است. البته در پیامبران غیر اولوالعزم هم شاهد سختی های حضرت یوسف در کودکی و شاهد نبوت یا وصایت حضرت یحیی و داود و سلیمان هستیم. بدین جهت در مواجهات درون دینی با ادیان ابراهیمی و با اهل سنت، دستمایه بسیار غنی ای در زمینه اثبات امامت در کودکی و تحلیل تاریخی و یا کلامی آن وجود دارد.

<p>- تلاش مامون در زمانه اجرای سیاست فرهنگی باز و عقل گرایانه و بر ایجاد محدودیت های اجتماعی/اقتصادی بر علیه شیعه به جهت دفع اتهام تشیع از خود و جلوگیری از اقتدار شیعه در زمانه اجرای سیاست درهای باز</p> <p>- بازدی دوگانه مامون در نزدیک سازی امام و فشار بر قمی ها با هدف ایجاد فاصله بین امام و جامعه شیعه (راهبردی شبیه طرح ولایتعهدی که با هدف حیرت زائی در جامعه شیعه ایجاد شد)</p> <p>- اقتصاد به مثابه سلاحی سیاسی در دست مامون برای تلاش برای آلوده نمودن جایگاه امام با مقرری مالی کلان و برای ضربه زدن به جامعه شیعه با ازدیاد مالیات قم و به اوج رساندن فشار اقتصادی بر آنان</p> <p>- امام جواد(ع) و شرایط تقیه و مراقبت شدید او از سوی مامون (توسط ام فضل) و تلاش برای مدیریت واسطه ای بحران قم از طریق وکلای فعال در شهرهای نزدیک به منطقه بحرانی</p>	<p>قیام های دامنه دار قمی ها</p>
<p>تلاش بزرگان علمی شیعه در نظام بخشی به مکتوبات علمای دونسل پیش (با هدف نظام سازی علمی و بازشناسی کمبودها و جبران آن در انتهای زمان حضور امامان و آسیب زدائی از فرهنگ روایی موجود)</p>	<p>رجال علمی شیعه</p>
<p>الگو سازی امام برای زمانه ضرورت حضور در جلسه های سیاسی رسمی در دولت های اسلامی باطل، مبتنی بر حضوری بر کرامت و عزت و تحمیل جریان مقابل بر رعایت احترام ناشی از حضور دانش محور و اخلاق گرا و توجه و دقت در زمینه گناه گریزی</p>	<p>حضور امام در بغداد و در جلسات دربار</p>
<p>امام و مدیریت روانی و اطلاعاتی جامعه و دور زائی زمینه های استرس و حیرت اجتماعی در زمان بدون تهدید و تلاش برای پیش آگاهی بخشی لازم به هنگام نزدیک شدن زمان شهادت</p>	<p>امام و اطلاع رسانی نسبت به سلامت یا شهادت در آستانه هر سفر به بغداد</p>
<p>امام جواد(ع) و تحمل مسئولیتی عظیم در شرایط سنی خاص و مواجهه غربت امام در جامعه اسلامی و خلافتی مقتدر، و سربلندی در این ماموریت عظیم آسمانی</p>	<p>امامت در کودکی و شهادت در جوانی از نگرش عرفانی</p>